نورالدین کیانوری

حزب تودهٔ ایران
در مبارزه
علیه توطئه‌های ضد انقلاب

www.iran-archive.com

شمارهٔ ۷ (۱۲)
سال ۱۳۵۹

پرسش و پاسخ

www.iran-archive.com

انتشارات حزب تودهٔ ایران، ۱۶ آذر، شماره ۶۸
کیانوری، نورالدین
حزب تودهٔ ایران در مبارزه علیه توطئه‌های ضد انقلاب
چاپ اول، شهریور ماه ۱۳۵۹
حق چاپ و نشر برای شرکت سهامی خاص انتشارات توده محفوظ است

بها ۳۰ ریال

فهرست

یک درس تاریخی ۵
درباره‌ٔ سازمان مجاهدین خلق ۱۰
عیار نوشته‌های "کار" اقلیت و برخی گروهک‌ها ۱۱
به قطع‌زاده‌ها ... چگونه باید جواب داد؟ ۱۲
فراخوان حزب توده‌ٔ ایران ۱۲
به تظاهرکشاندن دگه دارها چه هدفی داشته است؟ ۲۱
وظایف مبارزان انقلابی دربرابر توطئه‌های ضدانقلاب ۲۲
آیا برای انقلاب ایران خطر شکست وجود دارد؟ ۲۴
ضرورت شرکت فعال دربسیج و آمادگی برای دفاع از انقلاب ۲۶
موضع حزب درقبال مائوئیسم و دیگرجریان‌ها ۲۸
فروش اسلحه به عراق چگونه است؟ ۳۰
آیا میان رامپیمائی دگه‌داران و توطئه‌ٔ کودتا رابطه‌ای بوده است؟ ... ۳۳
حزب توده‌ٔ ایران درقبال اختلافات درسطح رهبری جمهوری‌اسلامی چه موضعی دارد؟ ۳۴
چگونگی مبارزه‌ٔ ایدئولوژیک حزب ۳۷
داشناک‌ها ۳۷
روزنامه‌ٔ "کار" و مساله‌ٔ ارضی ۳۸
مساله‌ٔ تصفیه‌ٔ ارتش ۳۹
درباره‌ٔ طرح فروش گاز به اتحاد شوروی ۴۰

www.iran-archive.com

www.iran-archive.com

یک درس تاریخی

خوب، هفتهٔ پیش من درصحبتی که دربارهٔ اوضاع عمومی کشور کردم، گفتم که به‌زودی اطلاعات مهمی راخواهید شنید. ما اطلاع داشتیم ازتوطئهٔ کودتا، البته خیلی پیش از توطئه و به‌طور دقیق. درآن ساعتی که من هفتهٔ پیش با شما صحبت کردم، اطمینان کامل داشتیم که توطئهٔ کودتا دراین مرحله درهم شکسته شده و منتظربودیم که این مطلب اول رسما ازطرف دولت اعلام بشود، چون قبل از اعلام رسمی آن از طرف دولت، اعلام کردنش از طرف مامی‌توانست درراه دستگیری عناصر کودتا اشکال‌ایجاد کند.

خوب، این یک حادثه بسیار بزرگ، مهم و یک درس تاریخی برای تمام انقلاب ایران است. درس تاریخی است، برای مبارزان راه طبقهٔ کارگر، برای طرفداران سوسیالیسم علمی، درس تاریخی است برای همهٔ ما. درس تاریخی است برای انقلابیون مسلمان برای آنهایی که یک مدت آمریکا و خطراتی را که ازطرف آمریکاهست، فراموش کرده‌بودند. انقلاب راحیلی ساده‌گرفته بودند. تصورمی‌کردند که به همین آسانی آمریکا تسلیم شده و حالاهم که گروگانهایش را نتوانسته ببرد و همان‌طور که آقای

www.iran-archive.com

قطب‌زاده، وزیرخارجه گفت "عاقل" شده،ــ حالا دیگرکارغیرعاقلانه‌ای نمی‌کند و دیگرهمه‌شرایط برای بهبود روابط با آمریکا ــ به‌قول ایشان،ــ آماده است.

خوب،حالا می‌بینیم که تمام حرف‌های مایکی یکی درست ازکار درمی‌آید. یکی دیگر از حرف‌هایی که ما زدیم این است که این گروههایی که آقای قطب‌راده از این‌وروآن‌وربا پول زحمتکشان ایران می‌برند مسافرت وبه نمایش می‌گذارند، این‌ها جاسوس آمریکا هستند. ببینیم روزنامهٔ اطلاعات امروز(۵۹/۴/۲۶) چه می‌نویسد: "حجت الاسلام صفایی سرپرست سپاه‌پاسداران خراسان اعلام کرده‌است که، رهبرجمعیت اسلامی افغانستان ازعوامل آمریکاست. در رابطه با تعطیل دفاتر جمعیت اسلامی افغانستان درخراسان، حجت الاسلام صفایی سرپرست سپاه پاسداران انقلاب و رئیس دادگاه ویژه خراسان، علت تعطیل این دفاتر را، وجود مدارکی دال بروابستگی بعضی از افراد این جمعیت به‌آمریکا یاد کرد. او گفت، ازجمله، نواری بدست آورده‌ایم که آمریکایی بودن افراد جمعیت را محرزمی‌کند. ازطرف دیگرهزینه جمعیت به وسیلهٔ آمریکا تامین‌می‌شود وآمریکا این‌جمعیت را تغذیهٔ فکری،ومادی می‌کند و خط مشی آن‌ها را، دقیقا، آمریکاتعیین می‌کند. او درجای دیگر اضافه کرد که افغانی‌هایی که به‌جرم جیب بری و حمل‌وفروش اسلحه و مواد مخدر یا به اتهام عمل لواط و فحشاء دستگیرمی‌شوند، اغلب دارای کارت عضویت جمعیت اسلامی افغانستان هستند. به‌گفتهٔ آقای صفایی افراد وابسته به جمعیت اسلامی افغانستان از راه زاهدان اسلحه قاچاق و تریاک وارد می‌کردند و به کردستان می‌بردند و بدست ضدانقلاب می‌رساندند. این افراد با شناسنامه‌های جعلی گذرنامه گرفته‌اند. صفایی همچنین گفت‌درطبیات هنگام دستگیری چند قاچاقچی افغانی که وابسته به این جمعیت بودند، چندین بار درگیری مسلحانه روی داد و خاطرنشان ساخت که رهبرجمعیت اسلامی افغانستان ــ یعنی همان کسی که آقای قطب‌زاده ایشان را بردند در ژنو و دراسلام‌آباد و تبلیغات وسیعی درباره‌اش کردند،ــ این رهبر جمعیت اسلامی افغانستان یکی ازعوامل آمریکا و درحال حاضر تحت تعقیب است. صفایی دربارهٔ تعطیل سایر دفاتر گروه‌های سیاسی افغانی گفت در این زمینه بررسی کاملی به عمل می‌آید و اگرهریک از آن‌ها وابستگی داشته باشد، تعطیل خواهدشد."

خوب،این هم بازیک جای دیگر که مبارزهٔ طولانی و سختی بین نظریات حزب ما و نظریات بسیاری از گروه‌های دیگر انجام می‌گرفت و

ما تاکید می‌کردیم که اکثریت مطلق این گروه‌ها که به نام گروه‌های مبارز شورشی افغانی مشغول فعالیت هستند، این‌ها عناصر اوباش و وازده و قاچاقچی و هروئین فروش و وابستگان به فئودال‌ها و سرمایه‌داران و دزدها و قاچاقچی‌ها هستند که به نام مبارزه زیرپرچم اسلام ــ "همهٔ این‌ها اسمشان جمعیت‌اسلامی است"، ــ بله به نام مبارزه زیر پرچم اسلام، فقط سیاست آمریکا را درافغانستان می‌خواهند پیاده کنند. یعنی همان کاری را که جنایتکاران پالیزبان و اویسی و بختیار در ایران می‌خواهندانجام بدهند. حالا کم کم از این روی مسئله هم پرده برداشته می‌شود. البته این مقدمه‌ای است برای صحبت امروزمان که بعد کامل‌تر خواهدشد. و اما دربارهٔ سئوالات امروز. امروز آن‌قدر سئوال زیاد شده که من متاسفانه قسمتی از آن‌ها را نتوانستم ببینم. من اول یک توضیح بدهم رفقا. بازهم بعضی از جوان‌هایی که اینجا می‌آیند، گله کرده‌اند که چرا به سئوال ما که دو دفعه، سه دفعه است مطرح کرده‌ایم، پاسخ نمی‌دهید؟ رفقا، پاسخ ندادن به سئوال‌ها دوتا علت دارد: یک‌علت اینست که به جواب همهٔ آن‌ها نمی‌رسیم، وقت ما دو ساعت بیشتر نیست، یک تعداد سئوال بیشتر نمی‌توانیم جواب بدهیم. من کوشش می‌کنم مقدار زیادی از این سئوال‌ها را باهم جمع کنم و یکجا جواب بدهم، ولی وقتی ۲۰۰ ــ ۲۵۰ تا سئوال می‌آید، چطور ممکن است در دوساعت به این ۲۵۰ تا سئوال جواب داد؟ ما هم نمی‌توانیم بگوییم که این دفعه جواب ندادیم، دفعهٔ دیگر جواب می‌دهیم. زیرا دفعهٔ دیگر دوستان دیگری می‌آیند به اینجا، (البته آن‌هایی که چند دفعه پشت سرهم می‌آیند اینجا جامی‌گیرند، کار درستی نمی‌کنند)، بله دوستان‌تازه ای می‌آیند و باز سئوال‌های تازه‌ای می‌دهند و به این جهت نمی شود همهٔ این تازه ها را هم انداخت به بعد. ولی ما مقداری از این سئوال‌ها را که جنبهٔ عمومی دارد، مهم است، واگذارمی‌کنیم به روزنامه، واگذارمی‌کنیم به مقالات مجلهٔ "دنیا" که درآنجا پاسخ داده بشود و من سعی می‌کنم به سئوالاتی که جنبه حاد روز دارد و مسائل اساسی سیاسی روز را مطرح می‌کند، ــ به این سئوالات بیشتر جواب بدهم، نه به آن‌سئوالاتی که مثلا می‌پرسند درتاریخ فلان سال ۱۳۲۳ درروزنامهٔ "مردم" فلان چیز نوشته شده و حالا شما جواب بدهید. حالا فرض بکنیم مطلبی که درتاریخ ۱۵ مهرماه سال ۱۳۲۳ درروزنامهٔ "مردم" نوشته شده نادرست است، مهمل است، غلط است. این چه‌کار دارد به حالا که ماداریم با امپریالیسم آمریکا و با

کودتایش مبارزه می‌کنیم؟ این بحث‌های مکتبی را (مکتبی نه از نقطه‌نظر جهت‌گیری فکری و سیاسی، بلکه آنچه که به اصطلاح فرنگی می‌گویند اسکولاستیک)، ــ این بحث‌های توی دخمه‌های کلیسای قرون وسطا را که هی می‌نشستند با هم بحث می‌کردند که آیا ملائکه‌ها از جنس مذکرهستند یا مؤنث ــ این بحث‌های مسخره را باید گذاشت کنار. مهم‌ترین نکته درمحتوای مارکسیسم اینست که ما این مارکسیسم را چه جور درک بکنیم و چه جور درشرایط کنونی مبارزهٔ اجتماعی ایران، پیاده‌اش بکنیم. اگراین کار رادرست انجام‌دادیم، مهم‌است. والا ممکن است ما در درک مارکسیسم در۱۰ سال پیش، ۱۵ سال پیش، ۳۵ سال پیش، ۴۰ سال پیش اشتباهاتی‌هم داشته باشیم. درمورد مسئلهٔ این اشتباه یا آن اشتباه کار را به بحث کشاندن، چیزی غیرازمعطل کردن نیست. امروز یک جواتی اینجا آمده، یک پاکتی به این ضخامت برای من داده با ۵۰ تا سئوال به خط قرمز و رویش هم نوشته که من یکی از اعضای سازمان جوانان دمکرات هستم و با گروهی از پیشگام‌ها و چریک‌ها دارم صحبت می‌کنم. او گفت آنها این سئوالات را دارند. اگرجواب این‌ها را بدهید، این‌ها نزدیک می‌شوند. خوب رفیق عزیز،آن گروه را بردار بیا اینجا، تامن‌جواب‌همهٔ سئوال‌هاشان را درهمان گروه دربسته بهشان بدهم. چه لزومی دارد که ما جلسه به این وسیعی را به این سئوالات بکلی پرت از مسائل جاری اختصاص بدهیم؟ اگر واقعا تو عضو سازمان جوانان دمکرات هستی و می‌خواهی‌وقت مارا اینجابگیری واین‌حمله‌روی‌این پاکت درست است، راه آسانش این است که همهٔ آن جوان‌ها را برداری بیاری اینجا. اگر اینجا نمی‌آیند،توی همان سازمان جوانان دمکرات جمعشان بکن،نه؟ توی‌خانهٔ خودتان جمع‌کن، ما یک نفر را می‌فرستیم آنجا تا به همهٔ این سئوالات جواب بدهد. اگر مساله به این شکل باشد، حل است. من خیال می‌کنم که‌بعضی از مبارزان مخالف ما وبعضی از، البته، آن‌هایی که می‌خواهند وقت مارا تلف بکنند، خیلی کوشش می‌کنند که با مقداری از این نوع سئوالات‌جهت اصلی این جلسات پرسش و پاسخ را منحرف بکنند. اگر چنین است و ما در این ارزیابی اشتباه نمی‌کنیم، آن وقت باید، فقط به آنها بگوییم که این زحمت عاطلی است. شما به خودمی‌دهید. ما نمی‌گذاریم جلسهٔ پرسش و پاسخ‌مان منحرف بشود و کوشش می‌کنیم که درهمان جهت عمده سیاسی و روز نگهش داریم. (یک یادآوری اینجاشده است که من این یادآوری را حتما می‌خوانم: " رفیق کیانوری، پس ازسلام، خواهشمندم‌به این رفقا تذکر بدهید که نوبت

دیگران را رعایت کنند. آخر راحت طلبی‌هم حدی دارد، تعدادی کارشان شده همین که تا می‌رسند، بایک نفر که درمیان صف ایستاده سلام و تعارف می‌کنند، بعدهم اصلا به روی مبارک نمی‌آورند و همان جامی‌مانند. حالا اگر مانفر اول بیاییم یا آخر فرقی دراصل موضوع نمی‌کند".

خوب، این حرکت خیلی زشت است. اگرچنین چیزی هست، واقعا راحت‌طلبی و فرصت‌طلبی‌است. دوستانی هستند که می‌آیند اینجا و ساعت‌ها معطل می‌شوند برای‌اینکه‌دراین‌جلسه بحث‌شرکت‌کنند، وبعدکسانی سه‌ساعت بعداز آن‌ها بیایند جلوتراز آن‌ها بایستند، به این عنوان که رفیق من جا گرفته! این جا که نقل و نبات، چه می‌دانم خربزه و گوشت نیست که کسی یک نفری را بفرستد که برو برای من جا بگیرتا من بیایم. به این ترتیب این را خود دوستانی که این پدیده نادرست رامی‌بینند باید باهاش درهمان جا مبارزه بکنند، یعنی تذکر بدهند به فردی که چنین کاری کرده است تا برود آخر صف، این دیسیپلین و نظم را باید لااقل دوستان ما رعایت کنند. من تصورنمی‌کنم که رفقای هوادار حزب ما چنین کاری را بکنند و خیال می‌کنم که این ازجانب دیگران باشد و اگر از هواداران حزب چنین کاری را کردند، آن‌وقت تقصیرشان دوبرابر است. یعنی اگر یک هوادار حزب به چنین کار نادرستی دست بزند، خیلی‌جای تاسف است. امیدواریم که چنین اعتراضی دردفعات بعد، دیگرپیش نیاید.

خوب، حالا مسائلی که امروز مطرح شده، غیراز مقدار زیادی سئوالات مجرد که من‌به بعضی‌هاش کوتاه جواب خواهم داد، مقدار زیادی سئوال درباره‌ٔ مسائل مربوط‌به کودتا و آینده‌ٔ انقلاب ایران شده است. البته یکی از نمونه سئوالاتی که افراد می‌کنند و فقط برای فلج کردن کار ماست، چنین است: " اگر یک روزی رفیق طبری بخواهد انشعاب کند، به شما رفیق کیانوری چه احساساتی دست می‌دهد (خنده‌ٔ حضار). من یک پیکاری یا رزمندگان و غیره‌نیستم". خوب بالاخره یک چیزی شبیه به این‌ها هست (خنده‌ٔ حضار). آخه، آمدی دوساعت توی صف ایستادی که یه‌همچی مهملی از ما سئوال بکنی، دوست عزیز؟! من چی به این جواب بدهم؟ البته نمونه این‌ها زیاداست و من نمی‌خواهم وقت را بگیرم، چون اگربخواهیم به این سئوال‌ها برسیم، تبدیل می‌شودبه‌جلسه‌تفریحی.

حال بپردازیم به چندسئوال که درباره‌ٔ سازمان مجاهدین خلق شده است.

دربارهٔ سازمان مجاهدین خلق

س: نظرشما دربارهٔ سازمان مجاهدین خلق چیست؟ دروضعی که آن‌ها الان دارند، چه باید بکنند؟ شما چرا اعتراض نمی‌کنید به این‌که سازمان مجاهدین خلق روز نامه و تمام دفاترش را تعطیل کرده است؟

ج: خوب، این دیگر دوستان عزیز، بی انصافی است - اگرشما طرفدار سازمان‌مجاهدین‌خلق‌هستید- آن‌طور که‌ازسئوال‌هایتان‌برمی‌آید، ازلحن نوشته‌هایتان‌برمی‌آید، چون‌برخلاف‌خیلی ازسئوال‌هادرخطاب به‌من "آقا" نوشته‌اید، آن‌وقت‌دوستان‌محترم، بایدبدانید که این‌سازمان‌مجاهدین‌خلق، سازمان سیاسی‌مستقلی است که ما به خودمان اجازه نمی‌دهیم این نوع دخالت‌ها را درکارش بکنیم و به او بگوییم چراشما خودتان دفترتان را تعطیل کردید، دفترتان را بازکنید، چراخودتان روزنامه‌تان را تعطیل کردید، روزنامه‌تان را بازکنید. مامی‌توانیم فقط نظرخودمان را بگوییم که به نظرما این‌گونه‌اقدامات درمبارزهٔ سیاسی، اقدامات صحیحی نیست، **ما هرگز دفاترمان را تانیایند و به زور همه‌اش را تعطیل نکنند، خودمان هرگز تعطیل نخواهیم‌کرد، شیوهٔ ما این است.** منتها صلاح مملکت خویش خسروان دانند، شاید سازمان مجاهدین خلق باتحلیل وضع خودش و با تحلیل اوضاع سیاسی، به این نتیجه رسیده‌است که با تعطیل دفاتر و با تعطیل روزنامهٔ "مجاهد" بهترمی‌تواند حقانیت خودش را درجامعه روشن کند و نظریات خودش را نسبت به مسائلی که اتفاق می‌افتد به مردم توضیح بدهد. البته ما چنین تجربه‌ای را درمبارزات تاریخی نیروهای انقلابی سراغ نداریم. این ممکن هم‌هست یک نوآوری باشد، ممکن‌است - ولی به نظرما نتیجهٔ مثبت ندارد، نتیجه‌اش به‌نظرما منفی است. آنچه که ما می‌توانیم از روی تجربه تمام نیروهای انقلابی درتاریخی‌که ما آموخته‌ایم، قضاوت کنیم، به‌نظرما این شیوه‌ها ناشی از آن است که هیچ سازمان مجاهدین خلق نتوانسته‌است اوضاع کنونی جامعهٔ ایران و برخوردهایی را که در داخلش وجوددارد، - محتوای این برخوردها را با عملکرد خودش، به‌طور همه‌جانبه درست تحلیل کند. ما امیدواریم که خود این تجربه اقلا کمک کند تا سازمان مجاهدین خلق که به نظرما اکثریت قریب‌به‌تمام افرادش، علاقمند به جنبش انقلابی ایران

هستند و با آن‌که ممکن است اشتباهات جدی هم داشته باشند، ولی به طورکلی درجبههٔ خلق قراردارند، ــ امیدواریم که آن‌ها از این تجربه پندآموزی کنند و با یک تحلیل همه جانبه و عمیق جای خودشان را در مبارزه کنونی جامعهٔ ما که وارد مراحل فوق‌العاده حساس، و نه‌فقط حساس که خطرناک شده‌است، جای واقعی خودشان را همه‌جانبه اشغال کنند. ما از این امرفقط خوشحال خواهیم شد.

عیار نوشته‌های «کار» اقلیت و برخی گروهک‌ها

س: چرا به نوشته‌های روزنامه "کار" اقلیت وبعضی ازنشریات مثل "پیکار"، "توفان" و غیره پاسخ نمی‌دهید؟

ج: مقدار زیادی از این سئوالات هست. رفقا و دوستان ما می‌آیند راجع به نوشته‌های "کار" اقلیت، راجع به اعلامیه‌های "پیکار" یا روزنامه‌های گروه‌های مختلف صحبت می‌کنند. ما یک‌بار باید بگوییم که درباره نوشته‌های کلیه این گروهک‌ها از "کار" اقلیت گرفته تا "راه‌کارگر"، رزمندگان، بزمندگان، مبارزان، مبارزین، توفان، توفین ــ مابه همهٔ این‌ها پاسخ نمی‌دهیم. برای این‌که ارزش سطور "نامهٔ مردم" را خیلی بالاتر از آن می‌دانیم که به لاطائلاتی که این‌ها دائما تکرارمی‌کنند و قسمت اعظمش همان چیزهایی است که ساواک و رژیم شاه علیه حزب ما جویده و مائوئیسم برای تمام جنبش جهانی سروده و سال‌ها توی خاکروبه افتاده و واقعا گندیده است، جواب بدهیم. به این‌ها جواب دادن، غیراز این‌که وقت مارابگیرد، غیر از این‌که ما خوانندگان "نامهٔ مردم"، مبارزان واقعی جنبش انقلابی‌ایران را بی‌خود به لاطائلات مشغول بکنیم، نتیجه دیگری ندارد. به این جهت است که ما به این‌ها پاسخ نمی‌دهیم. مقداری از ایراداتی که مثلا ممکن است در "کار" اقلیت وجود داشته باشد، پاسخش را ما به عهده "کار" اکثریت می‌گذاریم. برای این‌که الان اکثریت سازمان چریک‌های فدایی خلق درمواضعی قرار گرفته است که، خوب، یواش یواش سیل همهٔ آن فحش‌ها و اتهام‌ها و تهمت‌هایی را که به ما می‌زدند، به آن‌ها هم می‌زنند. حالا دیگر آن‌ها هم "اپورتونیست" شده‌اند، آن‌ها هم "سازشکار" شده‌اند، آن‌ها هم "تسلیم‌طلب" شده‌اند، آن‌هاهم همه این چیزها شده‌اند. حالا ما یک نوع تقسیم کارمی‌کنیم. بگذار یک خرده هم آن‌ها چوبش را بخورند، یک کمی این چوب‌ها را بخورند و جواب بدهند. هرجایی که ما دیدیم

www.iran-archive.com

جواب‌هاشان ضعیف و ناقص هست، آن‌وقت تکمیل خواهیم کرد.

به قطب‌زاده‌ها... چگونه باید جواب داد؟

س: چرا شما دربارهٔ امثال قطب‌زاده‌ها، چمران‌ها و دیگرانی که هنوز در راس قدرت هستند، چیزی نمی‌نویسید؟

ج: دوستان عزیز، ما بارها و بارها گفته‌ایم که دربارهٔ افراد مسئولیت‌دار، تاوقتی دلایل کافی برای افشاگری نداشته باشیم، فقط درباره عملکرد آنها بحث می‌کنیم و هرجا که معیوب باشد، آن‌را تذکر می‌دهیم و وقتی هم این‌کار را می‌کنیم دلائلمان آن‌قدر قوی هست که موءثرواقع بشود. ما تصورمی‌کنیم که درهمین یک ماه اخیر نمونه‌هایی از این نحوهٔ عمل را ارائه داده باشیم، یعنی افشاگری‌هایی کرده‌ایم که توانسته است موءثر باشد. یکی از این چهره‌ها را که الان هم به او اشاره کردند، یعنی قطب زاده را، درارتباط با سازمان‌های آمریکایی‌زدهٔ افغانی، تاحدودی که لازم بوده‌است، افشاء کرده‌ایم و خیال می‌کنیم که این افشاگری درجامعهٔ ایران برای شناساندن نقش او، تاثیر داشته است. درمواردد یگرنظیرآن‌هم، مابه همین شکل عمل خواهیم کرد، یعنی به وقتش، آن‌وقتی که بدانیم تاثیر دارد، عمل خواهیم کرد، ولی اگر وقتش نباشد، شما ده‌سال هم داد بزنید: حسن این جورست، حسین آن‌جور است، کوچک‌ترین تاثیر مثبت نخواهدکرد، بلکه برعکس، موضع آن فرد را در دستگاه تحکیم خواهد کرد و امکان بیشتری برای خرابکاری به او خواهد داد.

فرا خوان حزب تودهٔ ایران

س: فراخوان امروز حزب تودهٔ ایران چه ابعادی دارد؟

ج: دستور حزب این بوده است که ما به طور مثبت در مبارزه‌علیه ضدانقلاب شرکت کنیم. من می‌کوشم دربارهٔ تمام جریان این کودتای بافرجام و اینکه در آینده چه دورنمایی در این زمینه هست و نیروهای انقلابی در برابر آن چه وظایفی دارند، تحلیلی بدهم. اما قبلا می‌خواهم به مجموع چند سئوال که اینجا مطرح شده و یکیش از طرف یکی از هواداران "راه کارگر" است، یک‌جا جواب کوتاهی بدهم.

رادیوی معلوم الحالی که خودرا "صدای ایران" می‌نامد در ۵۹/۴/۲۳

پس ازشکست کودتا، اعلام می کند که شاپور بختیار، درمصاحبه‌ای با خانم فلان، خبرنگار یک مجلهٔ فرانسوی، به نام نوول ابسرواتور، ژیزل ابسرواتور یا یک همچی زهرماری، گفته است که میان "تمام ایرانیان بر صد عمامه به سرها "اتحاد" وجود دارد. این رادیو صمن بررسی وضع جناح‌های مختلف به نقل از شاپور بختیار و دفتر سیاسی او اعلام می‌کند که بختیار آمادگی خود را برای همکاری با تمام نیروهای ملی اعلام کرده است. حالا نگاه کنید که در این "نیروهای ملی" کی‌ها عضو هستند؟ دو گروه از این نیروهای ملی را که آقای بختیار حاضر هستند با آنها همکاری بکنند یعنی "کار" و "راه کارگر"، که کناربگذاریم، — این آقا همهٔ آنهای دیگر را به حساب نیروهای ملی که آمادهٔ همکاری با آنها هستند، می‌گذارند، تمام نیروهای ملی را سوای باصطلاح "دارودسته" خمینی و احزابی مانند حزب توده. خوب، حالا اگر این دوست هوادار "راه کارگر" هنوز نمی‌داند که سازمانش در کجا قرار گرفته و سیاست سازمانش سیاستی است که بختیار نه فقط کوچکترین ترسی از آن ندارد، بلکه آماده همکاری با آن هم هست و ازطرف دیگر سیاستی که امپریالیسم آمریکا، بختیارها و اویسی‌ها آن را به عنوان دشمن اساسی خود تلقی می‌کنند، همان سیاست "اپورتونیستی" حزب تودهٔ ایران است، — پس از شنیدن این مطلب، بایدیک خرده به فکر فرو رود. همین موضوع به تنهایی کافی است برای اینکه این مارکسیست‌های "انقلابی طراز مافوق نوین" را کمی به فکر وادارد. محتوای تبلیغات رادیوی "صدای ایران" تبلیغات رادیوی صدای آمریکا، تبلیغات تمام محافل ضدانقلاب، باید شماجوان عزیز راهم کمی به فکروادارد.

نقشهٔ دقیق ضدانقلاب در همین کودتا عبارت بوداز: نابود کردن سریع و بدون محاکمهٔ رهبران مبارز مذهبی، روحانیت مبارز و... رهبران حزب تودهٔ ایران. در این موضوع تردیدی نیست. صمنا ضدانقلاب امیدوار است که با گروه‌های معینی کنار بیاید تا این گروه‌ها با آن مماشات کنند. چگونگی برخورد به این جریان نشان‌دهنده سیاست‌های واقعی نیروهایی است که در ایران هستند.

و اما جریان خود کودتا: دوستان ما که "نامهٔ مردم" را با تمام هشدارباش‌هایش مطالعه کرده‌اند، می‌دانند که ما از پیش از جاندشتهٔ کودتای طبس با پیگیری خیلی خیلی جدی، مسئلهٔ تدارک یک سری‌صربه ارتجاعی ازطرف امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب را که در خارج ایران و در داخل ایران انجام می‌گیرد، پشت سر هم تذکر داده‌ایم. ولی باکمال

تاسف، در دوران اولیه، مقاماتی در رهبری جمهوری تذکرات ما را خیلی حدی نمی‌گرفتند. حتی در روزنامه‌هایی مثل روزنامهٔ "جمهوری‌اسلامی" مثل روزنامهٔ "انقلاب اسلامی" به ما خرده گرفتند که گویا ما اینجا داریم یک جو ناراحتی ایجاد می‌کنیم و این خطرها وجود ندارد! وقتی ما خطر اقداماتی را که ضدانقلاب قصد داشت در خوزستان و کردستان انجام دهد (همان اقداماتی که دو هفته بعد با بمب گذاری‌ها در آنجا شروع شد)، تذکر دادیم، به ما تهمت زدند که گویا ما داریم تحریک می‌کنیم!

اما صحت ارزیابی‌های ما دربارهٔ اوضاع ثابت شد. من بدوستانی که نسبت به مسائل سیاسی روز و موضع‌گیری حزب تودهٔ ایران دربارهٔ آنها، علاقمند هستند، پیشنهاد می‌کنم که یکی از شماره‌های آیندهٔ پرسش و پاسخ را که مربوط است به جلسه روز ۱۳ اردیبهشت ۱۳۵۹ حتما بخوانند. آنجا ما دربارهٔ توطئه‌هایی که در پیش است، صحبت‌کرده‌ایم. در آن بحث که نوارش موجود است و کسی نمی‌تواند زیرش بزند، تابلوی دقیقی از آنچه که الان انجام گرفته، داده شده است. رفقا با خواندن آن در ارتباط با وقایعی که بعدا اتفاق افتاده است، خواهند دید که هشدارهای ما چه اندازه بجا و دقیق بوده است!

به این ترتیب ما از تدارک کودتا در سطوح مختلف آن، در خارج و داخل ایران، اطلاعات دقیقی داشتیم و اینها را به موقع در اختیار مقامات گذاشتیم. در دوران اخیر نیز فاکت‌های دقیق دیگری پیدا شد و اطلاعات دیگری هم به مقامات رسید که تاییدکنندهٔ تمام اطلاعاتی‌است که از طرف حزب ما داده شده است. در نتیجهٔ این همکاری توانستند توطئه را در این مرحله سرکوب کنند و در هم بشکنند. این یک موفقیت بزرگ و تاریخی برای انقلاب ایران است. موفقیت بسیار مهمی است. از این جهت مهم است که اولا شکست این توطئه خطر بزرگی را دریک لحظه بسیار خطرناک، از انقلاب ایران دور کرد.

نکتهٔ دوم که به نظر ما اهمیتش از اولی بیشتر است، درس‌های بسیار آموزنده‌ای است که از این توطئه در مورد چگونگی ارزیابی‌های قبلی نیروهای مختلف انقلابی در ایران دربارهٔ دوستان و دشمنان انقلاب به دست آمده است. این حوادث دربارهٔ چگونگی ارزیابی دوستان واقعی انقلاب ایران در داخل کشور و در صحنهٔ جهانی درس‌های آموزنده‌ای داده است. امیدواریم که این درسها کمکی باشد برای روشن شدن ذهن بسیاری از مسئولین و برخی کسانی‌که‌پیشداوریهای‌بکلی

www.iran-archive.com

نادرست دارند و کارشان واقعا دیگر به لجبازی کشیده است. امیدواریم این درسها به آنها هم کمی شلاق بزند و نشان دهد که تاکنون دچار چه اشتباه بزرگی بوده‌اند. در سر مقاله‌ٔ شمارهٔ جاری مجلهٔ "دنیا" (شماره ۴ سال ۱۳۵۹) به ویژه در همین رابطه تحلیل‌هایی انجام گرفته است. البته این مقاله قبل از این کودتا نوشته شده، ولی در ارتباط با مجموعه مسائل سیاسی کنونی ایران، کوشش شده است ارزیابی‌های نادرستی که براساس این پیشداوری‌ها یا شناخت نادرست، در میان برخی از نیروهای انقلابی ایران وجود دارد، تشریح شود و پی‌آمدهای نادرستِ خطرناک آن گوشزد گردد. این حادثهٔ کودتا صحت بسیاری از نکاتی را که ما یادآوری کرده‌ایم، تایید کرده است. کودتا قرار بود در این مراحل انجام گیرد: اول کودتای طبس. در کودتای طبس قرار بود نیروهای آمریکایی پس از پیاده شدن در طبس، به نزدیکی تهران منتقل شوند و خود را به لانهٔ جاسوسی برسانند. ما الان می‌بینیم که شبکهٔ ضدانقلاب پ[illegible] وسیع [illegible] در مرحلهٔ دوم قرار بود کلیه ساواکیها و افسران بازنشسته و افسرانی که در واحدهای ارتش و ژاندارمری و پلیس هستند، وارد عمل بشوند و گروههایی از آنها با نقشهٔ معین به مناطق معینی حمله بکنند. اولین هدف آنها عبارت بود از منزل امام برای از بین بردن خود امام و نزدیکانش و سپس کشتار رهبران مذهبی، روحانیت مبارز و رهبران حزب توده‌ٔایران که منازل همه‌شان را شناسایی کرده بودند، این مدارک چون در همان تاریخ تنظیم و تسلیم شده است، حالا دیگر نمی‌توانند به ما بگویند که شما امروز پس از وقوع واقعه اینطور می‌گویید. بعد قرار بود که این گروهها و گروههای دیگر به موازات گسترش حملات نظامی خود، به سراغ تمام پاسداران و کمیته‌ها بروند و آنها را با گازهای شیمیایی خواب و فلج بکنند و پس از موفقیت در این عملیات، گروههای معینی از آنها به رادیو ـ تلویزیون حمله کنند و آنجا را در اختیار بگیرند و حکومت کودتایی اعلام کنند. نقشهٔ این عملیات برای تهران و برای شهرهای مهم کشور کشیده شده بود و قرار بود برای شنبه شب پس از آنکه تمام پاسداران و دانشجویان مسلمان پیرو خط امام مستقر در لانهٔ جاسوسی را با گاز شیمیایی خواب کنند و گروگان‌ها را آزاد کنند، عملیات خود را به طور دامنه‌دار گسترش دهند. این بود نقشه کودتای طبس، این نقشه البته به هم خورد، ولی فقط یک قسمتش که تجاوز نظامی آمریکا در طبس بود، با عدم موفقیت روبرو شد. آنها ضمنا می‌خواستند یک "دستبرد تاریخی" هم زده باشند و گروگان‌ها را هم در

www.iran-archive.com

جریان کودتا آزاد کنند. ولی مسئلهٔ گروگان‌ها به هیچ وجه مسئلهٔ اصلی نبود. آنها این احتمال را می‌دادند که در این جریان نه فقط گروگان‌ها، بلکه تمام افراد نظامی که پیاده کرده بودند، ازبین بروند. مسئلهٔ اساسی برای آنها همان نقشه کودتا برای برانداختن رژیم بود. ما فردای همان روز، ضمن اعلامیه‌ای که در "نامهٔ مردم" انتشار یافت صریحا نوشتیم که هدف جریان طبس به هیچ وجه زدن یک ضربه برای آزاد کردن گروگان‌ها نبود، بلکه کودتا بود. همان‌طور که الان به شما گفتم ما از این نقشه، پیش از وقوع حادثه اطلاع داشتیم و آن را به اطلاع رساندیم و چون می‌خواستیم افرادی که در این توطئه شرکت دارند گرفتار شوند، ازانتشار بیش از موقع آن خودداری کردیم. متاسفانه در نتیجهٔ اشتباهی که رخ داده و بی‌احتیاطی‌هایی که شده، بخش مهمی از عناصری که در این توطئه شرکت داشتند، توانستند فرار بکنند. جای خیلی تاسف است که در آن مرحله ضربهٔ لازم به ضدانقلاب وارد نیامد و امکان داده شد که ضدانقلاب خودش را برای ضربهٔ دوم آماده کند.

مرحلهٔ اول نقشه این ضربهٔ دوم عبارت بود از یک حمله به فرودگاه تهران. قرار بود اول به فرودگاه حمله کنند و هم‌زمان با آن یک گروه ۲۰۰ نفری به سراغ رادیو بروند. فرودگاه را می‌خواستند با افرادی که درآنجا داشتندبگیرند و سپس‌طیاره‌ها بلند شوند ونقشهٔ‌بمباران منزل امام خمینی را عملی کنند و مراکزحساس دیگری‌را که فکرمی‌کردند مقاومت‌بکنندازبین ببرند. به موازات این عملیات می بایست تمام نیروهای مسلح سازمان یافته‌ضدانقلابی، یعنی ساواکی‌ها و افسران و غیره در تهران شروع کنند به نابودی کمیته‌های پاسداران و مراکز پاسداران، با استفاده از انواع سلاح‌ها و وسایل نظامی فوق‌العاده مدرن نوع آمریکایی که حتی بعضی‌هاش در ارتش ایران هم، شاید نباشد. ما اطلاع نداریم، ولی به احتمال قوی نباید باشد، از جمله نورافکن‌های معینی که افراد را شب کور و به کلی فلج می‌کند و گازهایی که خواب‌آور است یعنی نیروهای مخالف را برای ۲۴ ساعت به کلی فلج می‌کند. با استفاده‌ازاین سلاح‌ها می‌خواستند نقشه کودتا را پیاده کنند. البته همان‌طور که در گفته‌های آقای ری‌شهری ذکر شده است، برنامهٔ آنها این بود که با نابودی میلیون‌ها نفر کودتا راپیروز کنند. میلیون‌ها نفر از مردم ایران‌را نابود کنند! این اغراق نیست رفقا! این نقشه واقعی ضدانقلاب در ایران بوده است، یعنی آن‌ها حاضر بودند نه اینکه یک میلیون، بلکه میلیون‌ها نفر را، اگر مقاومت شود، از بین ببرند تا کودتا پیروز شود.

این‌است چهرهٔ واقعی امپریالیسم آمریکا که برخی از رهبران سازشکار و تسلیم‌طلب، یکسال و نیم تمام کوشش کرده‌اند آن را بپوشانند. امیدواریم جزئیات این کودتا و نتایجی را که از تحقیقات و از گفته‌ها به دست خواهد آمد، به طور کامل منتشر بکنند تا مردم ایران این چهرهٔ واقعی ضدانقلاب را ببینند و از تلاشهایی که برای تکرار ماجرای اندونزی و شیلی در ایران انجام گرفته و از خوابی که آمریکابرای ایران و افغانستان دیده، آگاه شوند و با چشم و گوش و پوست خود احساس کنند که هنوز چه خطراتی آنها را تهدید می‌کند. این اهمیت فوق‌العاده زیاد دارد و ما خواستاریم و با پی‌گیری اصرار خواهیم کرد که نتیجه تمام تحقیقاتی که از این جنایت‌کاران انجام می‌گیرد در دسترس افکار عمومی مردم ایران و جهان قرار داده شود. چه تبلیغاتی بهتر از این برای افشاکردن چهرهٔ کریه امپریالیسم آمریکا و هوادارانش: چه آن قیافه‌های متمدن انگلیسی و فرانسوی و آلمان غربی که در این توطئه شریکند و چه آن دوستان آقای قطب‌زاده در پاکستان و ترکیه که شریک این توطئه بودند و قصد داشتند از آنجا با طیاره‌های خود نیروهای ارتجاعی و ضدانقلابی را وارد ایران کنند. همهٔ این‌ها را باید به اطلاع مردم ایران و جهان برسانند. نتیجهٔ این محاکمات می‌تواند یک‌دادگاه تاریخی علیه امپریالیسم آمریکا باشد، زیرا متاسفانه در شیلی و در اندونزی ارتجاع موفق شد خودش را تثبیت کند و نگذاشت واقعیت آن جنایات آن‌طور که لازم هست در خارج انعکاس پیدا کند. ولی حالا یک موقعیت تاریخی برای تمام جنبش آزادی بخش ضدامپریالیستی جهان پیدا شده تا چهرهٔ واقعی امپریالیسم و نقشهٔ شیطانی که برای نابود کردن یک ملت و تحکیم مواضع غارت‌گرانهٔ خودش کشیده است، به تمام جهان نشان داده شود. امیدواریم که نشان دادن این جریان مثل آن جریانی نشود که با دعوت از سازمان‌های مترقی جهان برای افشای‌چهرهٔ امپریالیسم آمریکا انجام گرفت و عوامل آمریکا نظیر امیرانتظام‌ها و انواع سازشکاران کوشیدند تاثیر آن را کم کنند و آقای قطب زاده هم بازی پاکستان را راه انداخت یعنی در همان‌روزها آقاشاهی را آورد اینجا و جلسه تشکیل دادند.امیدواریم این‌بار دیگرتکرار این‌جریان‌اجازه‌داده‌نشود و واقعیت این توطئه همانطور که هست به اطلاع افکار عمومی ایران‌وجهان رسانده شود.

حال این سئوال مطرح می‌شود که آیا توطئه تمام شده است؟ به نظر ما نه. هشداری که امروز شما در "نامهٔ مردم" خواندید، فقط یک

بانگ تبلیغاتی نیست، این هشداری است برای اینکه مردم را واقعا آماده بکند برای یک مقابله با خطر موجود. به نظر ما خطر به طورجدی وجود دارد. در خبرهایی که امروز رسیده، از قول بختیار گفته شده‌است که "انقلاب" (منظور کودتاست!) متاسفانه با شکست روبرو شد. رادیوی صدای آمریکا صبح امروز ۲۶ تیر اعلام کرد که شاپور بختیار نخست‌وزیر سابق ایران اظهار امیدواری کرده است که "قیام" آینده ایرانیان به صورتی گسترده‌تر و منظم‌تر و با شدت بیشتر صورت گیرد. خوب این نشان‌دهندهٔ دو چیز است: یکی این که امپریالیسم آمریکا و تمام دستگاه تبلیغات امپریالیسم در غرب خیلی کوشش می‌کنند حادثه‌ای را که روی داده کوچک جلوه دهند. آنها در داخل به شبکهٔ ضدانقلاب در تهران دستور داده‌اند شایع کنند که اصلا کودتایی درمیان نبوده‌است، همهٔ اینها اصلا دروغ بوده و این فقط شگرد و ترفندی است برای اینکه عده‌ای را که ناراحت بودند، توقیف بکنند. همه دارو دستهٔ بختیار این جور تبلیغ می‌کنند. حتی در تاکسی‌ها، طاغوتی‌ها و ساواکی‌ها، به طورمنظم این جور تبلیغ می‌کنند. ولی خوب، گفت هرکس نداند، صاحب کاریعنی خود امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب می‌داند که چه‌ضربه‌ای بهش وارد آمده و چه نیروی ضربتی بزرگی از دستش در رفته. و ما امیدواریم که با محاکمه سریعی که امروز شروع شده، و با مجازات سریع ضدانقلابی‌ها، اشتباهی که دکتر مصدق در بیست و پنج مرداد مرتکب شد یعنی، تعلل کرد، امروز و فردا کرد، این ساعت و آن ساعت کرد و گفت جالا کارشان نداشته باشید و محاکمه و مجازات را هی به عقب انداخت (و شاید اصلا هم خیال نداشت آنها را مجازات و محاکمه کند، همانطور که جنایت‌کاران نهم اسفند و حتی‌قاتلین افشارطوس را هیچ‌گونه تصمیم قاطعی در باره‌شان نگرفت)، امیدواریم این اشتباه تکرار نشود، و همان‌طور که امام تاکید کرده‌اند جریان محاکمه و مجازات این خیانت‌کاران، باسرعت و قاطعیت هرچه بیشتری انجام بگیرد. اینست آنچه که ما دربارهٔ آینده انقلاب، آینده این کودتا می‌توانیم اظهار کنیم. یعنی توطئه ادامه دارد، امپریالیسم آمریکا از ایران دست‌بردار نیست. این توطئه‌می‌تواند اگر ما خوابمان ببرد و برای پیش‌گیری آن بیدار نباشیم، مثل فاصله۲۵-۲۸ مرداد، دریک فاصلهٔ بسیار کوتاه با یک ضربهٔ جدید دنبال شود، و می‌تواند در فاصلهٔ طولانی‌تری هم تکرار شود: چند ماه دیگر، یک ماه، دو ماه، سه ماه، شش ماه دیگر یا همانطور که امام گفته، ممکن‌است که پنجاه سال دیگر هم امپریالیسم دو مرتبه این توطئه را انجام بدهد.

www.iran-archive.com

امپریالیسم علیه هر جنبش انقلابی که ضدامپریالیستی باشد، توطئه را ادامه خواهد داد. ما می‌بینیم که الان امپریالیسم آمریکا در تمام جبههٔ جهانی، مشغول توطئه و تجاوز است. به ویتنام غیر مستقیم و مستقیم حمله می‌کند، به کامبوج از طریق نوکران خود در تایلند حمله می‌کند. در هندوستان (در ایالت آسام) چینی‌ها ـ متحد امپریالیسم آمریکا ـ حمله و تحریک می‌کنند، در افغانستان از طریق گروهی از اسلام نمایان، تحریک می‌کنند، کشتار می‌کنند و دائما آدم می‌کشند. در ایران علیه انقلاب توطئه و تحریک می‌کنند، در آفریقا علیه اتیوپی تحریک می‌کنند، علیه آنگولا تحریک می‌کنند و اخیرا در آنجا هم به تجاوزدست زده‌اند، علیه موزامبیک به تجاوز دست زده‌اند. علیه زامبیا مشغول دسیسه هستند. در آمریکای جنوبی علیه کوبا برای تجاوز تدارک می‌بینند، در کشورهای آمریکای جنوبی، هر جا که کمی آزادی برقرار شود، برای از بین بردن آن تحریکات و توطئه انجام می‌گیرد. آمریکا درتمام جبهه مشغول تجاوز است برای اینکه ضعف خودش را می‌بیند، برای‌اینکه می‌بیند، روز به روز پایگاه‌هایش دارد از دستش می‌رود، روز بروز محیط غارتگریش، محیط تاثیر سیاسی و نظامیش محدودتر و تنگ‌تر می‌شود، خلق‌ها پی در پی از زیر چکمه امپریالیسم آمریکا بیرون می‌آیند و این امپریالیسم دیوانه‌تر می‌شود و بیشتر دست به تجاوز می‌زند. دشمنی امپریالیسم امریکا با انقلاب ایران، همان‌طور که ما بارها گفته‌ایم، به ویژه بسیار شدید است. برای اینکه موفقیت انقلاب ایران تنها، این نبوده که یکی از پایگاه‌های اساسی امپریالیسم جهانی را در کشوری مثل ایران با منابع عظیم نفت از بین برده، تنها این نبوده که یکی از پایگاه‌های مهم استراتژیک نظامیش را علیه اتحاد شوروی و تمام‌جبههٔ سوسیالیسم منحل کرده است، بلکه این انقلاب سراسر منطقه را به لرزه درآورده و در مجموعه جنبش جهانی ضدامپریالیستی تاثیر عمیق بخشیده است. اینست که امپریالیسم آمریکا با انقلاب ایران نیز مانند انقلاب ویتنام خصومت و کین‌توزی عجیبی دارد و به این جهت هرگز حاضر به عقب‌نشینی داوطلبانه نخواهد بود. امپریالیسم آمریکا تمام نیروی جهنمی خودش را به کار انداخته برای اینکه انقلاب ایران را با شکست روبرو کند. خوب در اینجا ما می‌بینیم که امپریالیسم آمریکا نیروهای ذخیره قابل‌توجهی هم در داخل ایران دارد. این نیروی ذخیره تنها افسرانی نیستند که می‌خواستند کودتا کنند، تنها ساواکی‌ها نیستند که برای حملهٔ بعداز موفقیت ضربه اولیه آماده بودند و هنوز

www.iran-archive.com

قلع و قمع نشده‌اند. این ذخیره در عین‌حال آن نیروهایی هستند که در دستگاه دولتی کار را فلج می‌کنند، این ذخیره ــ عوامل امپریالیسم و لیبرال‌ها هم هستند که برای حفظ سرمایه‌داری، با تمام قوا می‌کوشند تیزی انقلاب راکند کنند و نگذارند که انقلاب گسترش یابد، این ذخیره ــ سازشکاران و تسلیم‌طلبانی هم هستند که تمام امید و آرزوشان را بسته‌اند به اینکه غرب به آنها کمک کند، غرب‌زده‌ها هم هستند که حالا که دیگر همکاری با آمریکا غیر ممکن شده، می‌کوشند از راه اروپای غربی، از راه شرکت‌های فرانسوی و انگلیسی و کانادایی مناسبات دوباره با آمریکا را برقرار کنند. همه آنهایی که جبههٔ ضدامپریالیستی، ضد آمریکایی را درایران تضعیف می‌کنند، ذخیرهٔ امپریالیسم و ارتجاع ایران هستند. از اینها گذشته عناصر نادانی وجود دارند که چه با قیافهٔ چپ‌نما و چه با قیافهٔ راست افراطی، خطر عظیم امپریالیسم را درک نمی‌کنند و هنوز تصور می‌کنند (مثل روزنامهٔ "کار" اقلیت و گروه پیکار و رزمندگان و بزمندگان) که مسئله خیلی ساده است و گویا ارتجاع در ایران مسلط شده و چندتا آخوند آمده‌اند و اینجا را گرفته‌اند و مبارزه اصلی این‌است که ما اینها را ریشه‌کن کنیم و جای آنها، به‌قول خودشان انقلاب سرخ را برقرار کنیم. این کوته‌نظران به خطر عظیمی که انقلاب ایران را در مرحلهٔ کنونی تهدید می‌کند، پی‌نمی‌برند. ولی حزب ما سیاست خودش را با درک عمیق این خطر تنظیم کرده و تنظیم می‌کند. هم هشدار امروز و هم فراخوان امروز عبارت است از ارزیابی دقیق علمی درست از خطری که الان در مقابل ما قرار دارد و وظایفی که در مقابل ما وجود دارد. وظیفهٔ ما الان این است که از یک طرف با تمام نیرو کوشش کنیم چگونگی واقعیت این توطئه را درتمام ابعادش به میان مردم ببریم و اگر ضعفهایی در تشریح توطئه و ابعاد آن در تبلیغات دولت و مقامات حاکمه هست (که فعالیت همان عوامل و ذخیرهٔ ضدانقلاب و امپریالیسم در این جریان مسلما می‌تواند تاثیر داشته باشد)، ما جریان آن را با تمام ابعادش برای مردم تشریح کنیم و همه‌جا، نشان بدهیم که این توطئه چه هدفهایی داشته، برای چه بوده، یک ماه قبل از این توطئه چه جریاناتی در ایران می‌گذشته است و چه کسانی زمینهٔ سیاسی این توطئه‌را درداخل ایجاد کرده‌اند. و همین الان هم دارند ایجاد می‌کنند.

به تظاهر کشاندن دکه‌دارها چه هدفی داشته است؟

س: به تظاهر کشاندن دکه‌دارها به وسیله گروه پیکارکه روز۴شنبه یعنی درست یک روز پیش از تصمیم ضدانقلاب به کودتا انجام گرفت، آیا جزیی از این توطئه نبود؟

ج: به نظر ما بسیاری از حوادثی که در یک ماه اخیر یا بهتر بگوییم حتی قبل از طبس در ایران اتفاق افتاده، امروز باید با دوربین این توطئه مورد بررسی قرار بگیرد، یعنی ما حالا باید روی دوربین‌های خودمان به قول معروف فیلترهای معینی بگذاریم و از خلال آنها ببینیم که این حوادث چه بوده و چرا درست در آن مواقعی اتفاق افتاده که ۳ روز یا ۴ روز بعدش آن توطئه با ابعاد عظیمش می‌بایست صورت گیرد؟ ما همان‌طوری که در "نامهٔ مردم" اشاره کرده‌ایم، معتقد نیستیم که همه کسانی که در این حوادث تشنج‌آمیز شرکت داشته‌اند، عوامل امپریالیسم هستند. ولی همهٔ آنها بازیچهٔ دست عوامل امپریالیسم [illegible] در همه جهات ــ چه در بالا و چه در پایین، در سطوح مختلف اجتماعی کشور. امپریالیسم مهره‌هایی دارد در بالا از نوع امیرانتظام‌ها و در پایین از نوع چپ‌نماهایی که خیلی قیافه "انقلابی" دارند و یا راست‌روهایی که خیلی هم قیافهٔ "اسلامی" می‌گیرند. نمونه یکی از آنها دو عکسی است که دیروز در "نامهٔ مردم" چاپ شد. این دو عکس که متعلق به یک آدم است، نشان می‌دهد که این آدم در گذشته بدون ریش چه می‌کرده و حالا با ریش چه می‌کند. هزاران نمونه از این بدون ریش‌ها و باریش‌ها امروز در جامعهٔ ما دیده می‌شوند و آنهم در تمام سطح‌ها، در تمام مقامات وحتی در پرمسئولیت‌ترین مقامات. اینها توانسته‌اند خودشان را جا بزنند. متاسفانه چشمهای کم‌سوی بسیاری از مسئولین و حتی بسیاری از انقلابیون واقعا علاقمند به انقلاب، این عناصر را نمی‌بینند، یعنی نمی‌آیند این ریش را از صورت این‌ها بردارند تا آن تملق‌های شاهنشاهی را از پرونده‌های‌شان بیرون بکشند. امثال آنها خیلی زیاد است. ما باید کوشش بکنیم این واقعیت را به میان مردم ببریم. کار هواداران واقعی انقلاب این روزها سنگین است. به هرکس که کار را به بحث‌های مبتذل از نوع بحث‌های گروه‌های چپ‌رو می‌کشاند، بدون هیچ‌گونه رودربایستی باید گفت که تو داری به ضدانقلاب کمک می‌کنی. امروز باید این توطئه را با تمام ابعادش به مردم نشان داد، باید مردم را تجهیز کرد برای مقابله با

www.iran-archive.com

توطئه‌ای که بعد از این می‌تواند بیاید، می‌تواند مثل توطئهٔ ۲۸ مرداد سه روز دیگر یا یک ماه دیگر یا سه ماه دیگر بیاید، ولی در این که حتما خواهد آمد تردیدی نیست. این را هرکس که تردید بکند یا خواب است یا مامور ضدانقلاب است. ما در این باره تردید نکنیم، امپریالیسم امریکا دست‌بردار نیست.

سفیر فرانسه از قول ژیسکاردستن گفته که آمریکا می‌گوید: ما از آلمان غربی و از ایران دست‌بردار نیستیم. این را کارتر به ژیسکاردستن گفته و این واقعیت است، این مطلب اهمیت ایران را در استراتژی امپریالیسم نشان می‌دهد و به این جهت حتما توطئه‌هایی در آینده خواهد بود. به همین جهت تدارک فکری، معنوی و تدارک مادی یعنی آماده بودن تمام نیروهای انقلابی برای مقابله با ضدانقلاب، همانطورکه در فراخوان امروز حزب تودهٔ ایران گفته شده است، ضرورت دارد و ما امیدواریم که مرکز بسیج ملی این خطر را خیلی‌جدی بگیرد و برای بسیج همه نیروها علیه ضد انقلاب کوشش بکند. ما هم باید به این امر کمک کنیم.

وظایف مبارزان انقلابی در برابر توطئه‌های ضد انقلاب

س: وظایف آینده ما دربرابر توطئه های ضدانقلاب چیست؟

ج: اول ــ افشاگری توطئه. دوم ــ نشان دادن این که این توطئه‌چه جهات اصلی داشته؟ وکی‌ها هدف‌های اصلی‌اش بودند. سوم ــ لزوم تشکیل جبههٔ متحدهمهٔ نیروهای اصیلی که دشمن این ضدانقلاب و امپریالیسم هستند و دشمنی‌شان ثابت شده است. این توطئه یک باردیگر ضرورت تشکیل یک جبههٔ متحد را برای مقابله با توطئه‌های آینده ثابت کرده است. البته همهٔ احتمالات را باید درنظرگرفت. ما از امروز نمی‌توانیم بگوییم که توطئهٔ آینده دقیقا به چه صورت خواهد بود. آیا به همین صورت بخش داخلی و بخش خارجی خواهد بود؟ یا به آن صورتی که امروز ما درهشدارکمیتهٔ مرکزی اعلام کردیم، به صورت یک تجاوز خیلی شدید ازخارج خواهد بود. به صورت هجوم نیروهای ارتجاعی که درخارج متمرکز و آماده شده‌اند، به صورت حمله تجاوزکارانه آن‌ها از زمین و آسمان و دریا و بعد پیوستن نیروهای داخلی به‌انهاویابه‌صورتهای دیگر. ما از الان نمی‌توانیم پیش بینی بکنیم که درهریک از این حالات مقاومت مردم چه شکلی به خود خواهد گرفت. شکل مقاومت جبهه‌ای به خود

www.iran-archive.com

خواهد گرفت یا شکل دیگر، مثلا اگر آنها فرضا درنتیجهٔ عدم آمادگی کافی نیروهای انقلاب، نیروهای دولتی، نیروهای عمومی جمهوری اسلامی موفق شوند گوشه‌ای از ایران را جدا بکنند، منطقه‌ای را به عنوان منطقهٔ "قیام کرده"، به اشغال خود درآورند، خوب آنوقت مقابله به صورت جبههٔ جنگ خواهد شد، مقابله به صورت مبارزه برای نابودی آن‌ها خواهد بود. درآن صورت نیروهای توده‌ای موظف هستند که درسروهای عمومی جمهوری اسلامی که حتما علاوه برنیروهای نظامی، سروهای داوطلب راهم دربرخواهد گرفت، به طور مؤثر و وسیع شرکت کنند و شوق شرکت داشته باشند. ممکن هم هست که مقاومت به شکل دیگری انجام بگیرد، یعنی نیروهای انقلابی تجزیه شوند، برحسب مناطق مختلف تقسیم بشوند، آن وقت مبارزه به شکل جبهه‌های مختلف جنگ داخلی در ایران انجام خواهد گرفت. این‌ها همه‌اش بستگی دارد به اینکه جمهوری اسلامی با تجهیز همهٔ نیروها بتواند اصلا حلو هرگو به توطئه جدیدی را بگیرد یا اینکه نتواند. اگر بتواند آنوقت کاری که ما می‌توانیم بکنیم، کمکی که نیروهای مترقی انقلابی می‌توانند بکنند. فقط عبارت است از شرکت درجبههٔ پایداری و مقاومت به اشکال مختلف. اگر آنها موفق بشوند که بالاخره درایران یک جبهه بوجود بیاورند، آن وقت مقاومت نیروهای انقلابی هم درایران باید به تناسب چگونگی این جبهه اشکال معین خودش را پیدا کند. **ما کوشش خواهیم کرد که در تمام این زمینه‌ها با رهبری جمهوری اسلامی درمسئلهٔ بسیج همهٔ نیروها برای مقاومت درمقابل توطئه‌های ضدانقلاب صمیمانه و صادقانه همکاری کنیم و ازهرگونه کار مجرد و مجزا خودداری ورزیم تا به همکاری نیروها، به‌هم‌پیوستگی و تمرکز آنها که بزرگترین عامل قدرت نیروهای ضد‌امپریالیستی و خلقی خواهد بود، صدمه‌ای وارد نیاید.** البته اگر در شرایطی اتفاق بیافتد که یکجا، یک نیروی توده‌ای تنها دربک منطقه مجبور باشد که حتما تنهاعمل بکند و با ابتکارخودش مقاومت را شکل بدهد، مطلب دیگری است. ولی البته این‌ها فرضی است. مسئله‌ای که الان مطرح است، همان مسئلهٔ افشاگری به منظورآماده کردن توده‌ها برای بالابردن روحیهٔ مقاومت و مقابله است تا هرتوطئه‌ای درهمان نطفه‌اش خنثی شود و سرکوب گردد و اصلا وضعی به وجود نیاید که اشکال دیگرمقاومت و مبارزه که برای انقلاب ما خیلی گران‌تر تمام‌خواهد شد، ضرورت پیدا بکند.

پس وظیفهٔ ما الان این است که توطئه‌های ضدانقلاب داخل و

خارج را درهمان اولین لحظهٔ شروع و عمل‌شان سرکوب و داغان کنیم. به همین جهت توصیه‌هایی که ازطرف حزب شده است، به نظرما توصیه‌های درست و کافی است، ولی البته دراین‌جا چیزی که خیلی مهم‌است، تشویق و تقویت روحیهٔ مقاومت وپیروزی است.

آیا برای انقلاب ایران خطر شکست وجود دارد؟

س: آیا شما شکست برای انقلاب ایران پیش‌بینی نمی‌کنید؟ آیا خطر شکست وجود ندارد؟

ج: از این نوع سئوال‌ها، زیاد شده است. من اصولا دراین طرز سئوال کردن یک نوع روحیهٔ ترس می‌بینم. دوستان عزیز، برای هر انقلابی بالاخره خطر شکست هم هست. برای انقلاب کبیراکتبرهم‌چنین خطرهایی وجود داشت. درسال‌های پس ازجنگ جهانی‌دوم تا زمانی که تفوق اتمی امپریالیست‌ها برقراربود، بدون تردید خطر برای موجودیت سوسیالیسم هم‌وجود داشت. تنها پس از درهم شکسته‌شدن تفوق اتمی آمریکا بود که با اطمینان گفته شد سوسیالیسم شکست ناپذیر شده‌وتحول بنیادی جهان از سرمایه‌داری به سوسیالیسم که با انقلاب اکتبر آغاز گردید، بازگشت ناپذیر شده است. این که درتاریخ معین اعلام می‌شود که سوسیالیسم شکست ناپذیراست، یعنی‌چه؟ یعنی تا آن وقت هنوز تفوق نظامی امپریالیسم وجود داشته و هنوز خطر این که سوسیالیسم ازبین برود وجود داشته، ولی هیچ وقت نمی‌آمدند هر روز تبلیغ کنند که خطر شکست برای سوسیالیسم وجود دارد. کسی که این‌طور سئوال می‌کند روحیهٔ ترس و وحشت ازخودنشان می‌دهد. ما برای انقلاب ایران باید روحیهٔ دیگری، درمبارزان ایجاد کنیم. آن چیزی که در امام‌خمینی یکی ازبرجسته‌ترین خصایص و صفات اوست، همین است که درسخت‌ترین لحظه‌ها با نیرومندی و اعتقادی بسیار راسخ به‌پیروزی، بامردم روبروشد و این امر به انقلاب خلق‌ایران نیرو بخشید. انقلاب ما هنوز امکانات فوق‌العاده نیرومندی دارد. خلق، با وجودنارضایتیهایی که دارد از این که نانش یا گوشتش یا خانه‌اش به اندازهٔ کافی درست نشده، هنوز از انقلاب دفاع می‌کند. همهٔ انقلاب‌ها این‌خاصیت را دارند. درکشورهایی که خلقها انقلاب کرده‌اند، این خلقها دشواری‌های عظیمی را طی دوران طولانی می‌توانند تحمل کنند، ومی‌توانند سالها مبارزه بکنند و بادشمن بجنگند. انقلاب ایران به عمده‌ترین هدف

www.iran-archive.com

خودش، که کوتاه کردن دست امپریالیسم امریکا و سرنگون کردن رژیم منحوس استبدادشاهنشاهی بود، به این هدف عمده و پیروزی عظیم دست‌یافت. درست است که مسائل فوق‌العاده بزرگی درمقابل انقلاب ایران قراردارد. این مسائل را باید با تلاش درمبارزه برای حفظ موجودیت انقلاب حل کرد. انقلاب ایران هنوز امکانات فراوان دارد و هنوز بالقوه فوق‌العاده نیرومند است. تلاش ما باید این باشد که این نیرو را هرقدرممکن است بیشتر منسجم کنیم، متشکل کنیم و درمبارزه به‌پیش بریم. این تلاش پیش‌آهنگ است، تلاش پیشقراول است. از حالا تعزیه‌خوانی کردن در بارهٔ اینکه شما خیال نمی‌کنید که اگرما نیروهای خودمان را دراختیار بسیج بگذاریم، این عمل حزب تودهٔ ایران را زیر ضربه قرار خواهد داد و نیروهای ما ازبین میرود، این حرفها به نظرمانوعی فرار ازجبهه درحساسترین لحظه است. ما معتقدیم که این لحظه، لحظه‌ای است که یک انقلابی باید با تمام‌جان خودش درخط اول جبهه قرار بگیرد. یادمان نرود که درجنگ میهنی اتحادشوروی و درتمام جنگهای دوران پس از انقلاب، جنگهای داخلی ۱۹۲۱– ۱۹۱۸، در سخت‌ترین لحظات جنگ،فرماندهان درجبهه همیشه اولین فرمانشان این بود که کمونیست‌ها به‌پیش! یعنی افرادکمونیست درخط اول جبهه باید حمله کنند. یعنی خطرناک‌ترین قسمت نبرد را آن‌ها بایستی به‌عهده بگیرند. اگرخودشان را کمونیست می‌دانند، اگر خودشان را انقلابی می‌دانند و به همین دلیل است که درتاریخ جنگهای داخلی سالهای ۱۹۲۱– ۱۹۱۸ و درجنگ دوم‌جهانی و درتاریخ سایر جنگهای انقلابی که نگاه کنید، می‌بینید که نسبت افرادی از اعضای حزب‌کمونیست که درجبهه کشته شده‌اند درقیاس با تمام اعضای حزب، ده‌ها برابرنسبت کشته‌شدگان غیرکمونیست درقیاس با تمام افراد جبهه است، یعنی اگر ازبیست میلیون نفر، مجموع کسانی که درجنگ شرکت کردند دومیلیون یعنی یکدهم کشته شده باشند، نسبت کمونیست‌هایی که درجبهه کشته شده‌اند درقیاس باهمه کمونیست‌های شرکت کننده در جنگ بیش از ۵۰٪ است. و این نشاندهندهٔ وظیفهٔ انقلابی است که کمونیست‌ها دربرابرخود قرارمی‌دهند. ماهم دراین لحظه از نبرد اگر می‌خواهیم انقلابی باشیم، باید درسخت‌ترین قسمت‌های‌جبهه، موثرترین شرکت را داشته باشیم.

ضرورت شرکت فعال دربسیج وآمادگی برای دفاع ازانقلاب

س: باتوجه به فراخوان کمیتهٔ مرکزی حزب ما برای شرکت فعال در بسیج و آمادگی برای دفاع از کشورمان و باتوجه به اینکه برادران مذهبی درکار بسیج، متاسفانه تاکنون رفتار خوبی با ما نداشته‌اند، شما این مسئله را چگونه تحلیل می‌کنید؟

ج: رفقا این همان نبردی است که من گفتم. این نبرد دوجانب دارد: یکی آمادگی برای شرکت درمبارزهٔ عمومی، ودیگر آماده کردن سایرنیروهای انقلابی برای شرکت درجبههٔ متحد وازجمله آماده کردن فکری و عملی آنها. این هم یک‌قسمت بزرگ ازمبارزهٔ ماست. من گفتم که ماباید بطوروسیع افشاگری کنیم که ضدانقلاب چه هدفهایی داشته و چه نیروهایی هدف اساسیش بوده‌اند؟ برای این منظورباید زمینه‌ای ایجاد کنیم که‌نیروهای واقعاانقلابی مسلمان‌پیگیربفهمندکه این‌دستی که‌مابسویشان درازمی‌کنیم، دست‌دوستی‌است، دست‌برادری‌است، دست‌مبارزان‌سنگرهای یک‌جبهه‌است، واین‌دست‌رابگیرندوبفشارند. اینهم نبردی است برای عملی‌کردن این مقصود. ببینید الان جنبش کمونیستی جهانی، یکی از مهمترین جبهه‌های نبردش دردنیا این است که به نیروهای غیرکمونیست انقلابی بفهماند که ما دریک جبهه داریم جنگ می‌کنیم، ما به اتفاق هم داریم امپریالیسم را ازبین می‌بریم، سرمایه‌داری انحصاری را باهمدیگر داریم ازبین می‌بریم. دربعضی از کشورها ما آنرا ازبین‌برده‌ایم. بیائید دست بدست هم بدهیم تا دربقیهٔ دنیا هم آنرا ازبین ببریم. این یعنی نبرد برای جلب توده‌هائی‌که هنوز آگاهی سیاسی‌شان به میزانی نرسیده که اهمیت‌این‌پیوندرابفهمند. خوداین‌نبرد، یک‌نبردسیاسی‌ـ تاریخی‌است. نبردی‌است‌که‌ما الان یک سال ونیم است داریم انجام می‌دهیم. و می‌توانیم ادعا بکنیم که دراین نبرد علی‌رغم ادعاهای روزنامهٔ "راه کارگر" و غیره و غیره... ماپیروزی بزرگی بدست آورده‌ایم. پیروزی ما یکی این سند است که می‌خوانم: "دوستان و هواداران! به منظور متلاشی ساختن باند ضدانقلابی بختیار، پالیزبان و خنثی نمودن توطئه‌های آنان که اینک با تهاجماتی چون گروگان‌گیری، خرمن سوزی، غارت اموال و احشام روستائیان زحمتکش، کشتار آنان و با ایجاد ناامنی باعث وحشت و ارعاب زحمتکشان منطقه شده‌اند، ازتمامی هواداران می‌خواهیم

که به نکات زیر توجه نمایند: با به وجود آوردن دستجات منظم به سپاه پاسداران مراجعه نموده و آمادگی خود را برای سرکوب ضدانقلابیون اعلام نمایند. با تشکیل گروههای امداد در نقل و انتقال شهدا و زخمیان و مداوای آنان تمام توان انقلابی خود را به کار گیرند. ارتباطها و رفت و آمدهای مشکوک خان‌ها و خاش‌ها، پایگاه داخلی باند ضدانقلابی بختیار و پالیزبان را، دقیقا کنترل کنید. با تمامی نیرو توطئه‌های امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکای جهانخوار و پایگاه داخلیش را برای زحمتکشان کرند و حومه افشاء نمائید. ضرورت همکاری مردم با سپاه پاسداران را با تمام انرژی انقلابی خود برای زحمتکشان توضیح دهید."

رفقاء، این اعلامیه هواداران حزب تودهٔ ایران نیست. چون ما خودمان این را سال پیش گفته‌ایم. این حرفها برای حزب تودهٔ ایران بازگی ندارد، ولی این اعلامیه هواداران سازمان چریک‌های فدایی خلق درکرند است. ببینید چقدر ما زحمت کشیدیم که سازمان چریک‌های فدایی خلق هم چنین اعلامیه‌ای می‌دهند. اعلامیه‌هایی را که آن‌ها دو یا سه‌ماه پیش می‌دادند بردارید بخوانید و ببینید که بخش اعظمش درست در جهت مخالف این اعلامیه است: درآن اعلامیه‌ها می‌گفتند که پاسداران "جنایتکار" را یکی یکیشان را بگیرید، اعدام کنید. ولی سرانجام به این جا رسیدند که چنین اعلامیه‌ای می‌دهند که در "کار" شمارهٔ ۶۶، چهارشنبه ۱۸ تیرماه، چاپ شده است. یعنی سازمان چریک‌های فدایی خلق چنان تحولی درجهت درست انقلاب ایران پیدا کرده که چنین اعلامیه‌ای می‌دهد. این آن مبارزه طولانی است که حزب ما دراین جهت انجام داده. درجهات دیگر هم ما الان پدیده‌های بسیار مثبتی می‌بینیم. ما می‌بینیم که درمیان بخشی از نیروهای انقلابی مسلمان هم این نظر که حزب تودهٔ ایران سیاست درستی دارد، سیاست صادقانهٔ پشتیبانی از انقلاب دارد، رشد می‌کند. ما برای جلوگیری از طولانی شدن بحث نمی‌خواهیم به نمونه‌های دیگر این جریان درتمام سطوح اشاره کنیم. ما معتقدیم که دراین جهت که دوست ما تذکر داده، هنوز راه طولانی در پیش داریم تا به هدف تشکیل حبههٔ متحد آگاه همه نیروهای انقلابی خلق برسیم. دراین راه ما درعرض یک سال و نیم گذشته در دوجهت پیشرفت‌های زیاد داشته‌ایم: درجهت بازداشتن نیروهای اصلا انقلابی از ادامه راه‌های نادرست و کاملا به ضرر انقلاب و درجهت جلب نیروهای اصیل انقلابی ازمیان مسلمانان برای درک این مسئله که نیروهای اصیل مارکسیستی هوادار انقلاب ایران هستند، ضدامپریالیست هستند و

می‌خواهند کوشش بکنند که انقلاب ما به پیروزی نهائی برسد. البته اشتباهات بزرگی که مارکسیست‌نماها درگذشته و در دوران اخیرمرتکب شده‌اند، کارما را بسیار دشوار کرده است. جنایت عظیمی که این گروه "پیکار" امروزی برای درهم شکستن سازمان مجاهدین خلق درآن تاریخ کرده، جنایت تاریخی بزرگی است برای ایجاد شکاف دربین نیروهای مارکسیست و نیروهای اسلامی یعنی ایجاد یک مارکسیسم دروغین به صورت مائوئیسم و با این مارکسیسم دروغین خنجرزدن به یگانه سازمان مجاهد اسلامی آن دوران. این عمل آن‌ها زخم جبران ناپذیری رده و ماهمیشه تکرار خواهیم کرد که این زخم در کارنامه کسانی‌که این جنایت را مرتکب شده‌اند، همیشه باقی خواهد بود.

موضع حزب در قبال مائوئیسم و دیگر جریان‌ها

س: ۱ــ لطفاکمی دربارهٔ چگونگی موضع‌گیری حزب تودهٔ ایران، درقبال مائوئیسم و علت این موضع‌گیری توضیح دهید تا روشن شود که چراگاهی درنشریات حزب از مائوئیسم با عنوان‌هایی ازقبیل تربچه‌های پوک، چپ‌نمای ضدانقلاب وآشوبگر نام برده می‌شود؟

۲ــ دریکی ازسخنرانی‌های آقای رجوی گفته شده است که کسی از لنین پرسیده است: پس‌ازآن‌که سراسر جهان کمونیستی شود، چه‌پیش خواهد آمد؟ لنین درجواب می‌گوید من نه‌می‌دانم و نه می‌خواهم بدانم که آنوقت چه پیش خواهد آمد. آیا این مطلب صحت دارد؟ (یکی از دانش‌آموزان دبیرستان خوارزمی، هوادار حزب تودهٔ ایران).

ج: خوب دوستان گرامی،از این نوع سئوالات زیاد شده است. در مورد سئوال اول ما شمارامراجعه می‌دهیم به نشریاتی که تاکنون منتشر شده و تعدادشان هم کم نیست. درمورد سئوال دوم هم اگرشما درهریک از روزهای هفته بیایید اینجا و این سئوال را ازهر رفیق تودهٔ‌ای بکنید، به‌شما جواب می‌دهد. ولی خوب چون سئوال‌کننده یک دانش‌آموز است و سئوال دیگری هم دربارهٔ تربچه‌های پوک پکن و مائوئیسم کرده، من این دوتا سئوال را کوتاه جواب می‌دهم.

هوادار حزب تودهٔ ایران دردبیرستان خوارزمی! این گفتهٔ لنین می‌تواند درست باشد، برای این که ازهرمارکسیست دانشمندی اگر شما بپرسید که دویست سال دیگر، به عقیده شما زندگی دردنیا چه شکل خواهد بود، او به شما خواهد گفت: من نمی‌دانم و نمی‌توانم بدانم و

نمی‌خواهم وقت خودم را برای این مطلب تلف بکنم که دویست سال دیگر چه خواهد شد؟ عالِم علم برپایه‌واقعیت آن چه که بدان آگاهست، فکرمی‌کند، و به افکار خود جهت می‌دهد. علم می‌کوشد پیش‌بینی‌های خود را هرچه ممکن است عمیق‌تر بکند، ولی هر عالِمی می‌داند که حدود این پیش‌بینی‌ها محدود است به امکانات موجود و آن چه که تا حالا بشر توانسته است، بدان آگاهی پیدا کند. یعنی مغز مجموعه بشری، این کامپیوترجهانی، این را فهمیده است که این جامعه ما به این صورتی که امروز هست درمرحلهٔ آینده خود، چگونه و به چه شکلی تکامل پیدا می‌کند، چه قانونمندی‌هایی دراین جامعه موجود، وجود دارد و این قانونمندی‌ها به چه شکل درجامعه عمل خواهد کرد. به‌این دلیل است که مارکس ـ انگلس ـ لنین تمام توجه خودشان را به تحلیل جامعهٔ سرمایه‌داری و تحولی که درجامعه سرمایه‌داری به طور قانونمندانه، درآینده نزدیکی که ما می‌بینیم، می‌تواند انجام گیرد، معطوف داشته‌اند ـ آن هم نه به تحلیل جزئیات این تحول. به همین دلیل است که لنین می‌گوید تمام جهان کنونی سرمایه‌داری ما به طرف سوسیالیسم خواهد رفت، ولی درهرکشوری انتقال به سوسیالیسم شکل خاص خودش را خواهد داشت، یعنی پیش بینی نمی‌کند که انتقال به سوسیالیسم دراین یا آن کشور، دقیقاً به این شکل یا آن شکل صورت خواهد گرفت. لنین فقط از قانونمندی کلی و عام صحبت می‌کند. ما می‌بینیم که حتی درکشورهای سوسیالیستی که پس از جنگ، درشرایط تقریبا مساوی یانزدیک به هم به وجود آمدند، مثل جمهوری دموکراتیک آلمان، چکسلواکی، بلغارستان، رومانی، لهستان ومجارستان، ویژگی‌هایی درانتقال به سوسیالیسم وجود داشته که با وضعیت خاص آن کشورها، هم ازلحاظ آمادگی فکری، هم از لحاظ فرهنگی، هم‌ازلحاظ سیاسی واقتصادی و هم ازلحاظ سطح رشد صنعتی و نیروهای مولده درارتباط بوده است. به این دلیل اگر کسانی بیایند بگویند که دویست سال دیگر، بعداز استقرار کمونیسم درسراسر دنیا، چه اتفاق خواهد افتاد، ما آن‌ها را خیال‌بافان اجتماعی‌خواهیم نامید. هروقت کسانی این مطالب را می‌گذارند مبنای بحث، بدانید که این‌ها از برخورد علمی، به تاریخ اجتماع یک کمی دورهستند.

و اما دربارهٔ تریچه های پوک مائوئیست. این اصطلاح تریچه، اصطلاحی است که کمونیست‌ها برای سوسیال دمکرات‌ها، برای‌سوسیالیست‌ـ ها، برای مدعیان دروغین هواداری از مارکسیسم اختراع کرده‌اند. تریچه

می‌دانید که رویش سرخ ولی تویش سفیدست، سفید علامت ضدانقلاب است. شما می‌دانید که درانقلاب اکتبر دارودسته‌ای به نام گاردسفید بوده‌است، این‌ها مال ضدانقلاب، مال تزاریسم بودند. نیروهای انقلابی نیروهای سرخ بودند. سرخ همیشه علامت انقلابی است. حتی پرچم مبارز معروف آذربایجان، بابک خرم‌دین، هم پرچم سرخ بود. سرخ همیشه دردوران طولانی پرچم خون، پرچم انقلاب، پرچم عصیان و شورش توده‌ها و خلق‌ها علیه ستمگران بوده‌است. حالا هم دراشعار انقلابی، در انقلاب اسلامی ماهم این رنگ سرخ را همیشه می‌بینید، انقلاب سرخ اسلامی را می‌بینید. درانقلاب اکتبر این سفید و سرخ اصطلاح تاریخی شد. می‌گفتند: گاردهای سفید و گاردهای سرخ. کمونیست‌ها به کسانی که به انقلابی‌گری تظاهر می‌کردند، ولی واقعیتشان، درونشان با ضد انقلاب بود، می‌گفتند تربچه، یعنی ازبیرون سرخ و ازدرون سفیدند، ظاهرشان سرخ و داخلشان ضدانقلابی است. حالا این تربچه‌های ما تربچه‌های پوک هم‌هستند (خنده‌ٔ حضار). ظاهرشان انقلابی است و باطن‌شان هیچی از انقلاب ندارد، ضدانقلابی است. این‌ها چه‌آگاهانه، وچه ناآگاهانه دردست ضدانقلاب هستند. بازیچه آن‌ها هستند. پوک هم هستند یعنی یک سلسله کلمات سطحی بی‌محتوی را گرفته‌اند و تمام فعالیت و مشغولیاتشان با این کلمات است. به این جهت است که ما این‌ها را به تربچه‌های پوک تشبیه کردیم و این تشبیه بسیار به‌جایی هست و جا افتاده است.

فروش اسلحه به عراق چگونه است؟

س: فروش اسلحه ازطرف شوروی به دولت عراق چرا انجام می‌گیرد؟

ج: رفقا، ماحتی دربارهٔ مسئلهٔ فروش اسلحه به دولت رژیم شاه، یک جواب مفصل منطقی داده‌ایم که دریکی از نوارها و یکی از جزوه‌های "پرسش و پاسخ" هست. ما آنجا دربارهٔ چگونگی مناسبات کشورهای سوسیالیستی یعنی کشورهایی‌که درآنجا انقلاب پرولتاریایی پیروزمند شده، با کشورهای غیرسوسیالیستی، به تفصیل سخن گفتیم و یادآور شدیم که وظایف آن‌ها در داخل کشور عبارتست از تحکیم انقلاب و پیش‌روی به طرف ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم یعنی تغییرات بنیادی درتمام نظام اجتماعی درهمهٔ زمینه‌ها و درخارج کشور عبارتست از تضعیف جبههٔ نیروهای سیاه ارتجاعی امپریالیسم و وابستگانش درجهان و تقویت

جنبش‌های رهائی‌بخش ملی درتمام اشکال آن‌ها، تا وقتی که این جنبش‌ها دارای محتوای ضدامپریالیستی‌هستند. ما توضیح دادیم که پیاده کردن این اصل دردنیای بغرنج کنونی ما نمی‌تواند به اشکال ابتدایی و صاف و ساده‌ای که بعضی از دوستان نورسیده و ناپختهٔ ما فکر می کنند، انجام بگیرد. این یک شطرنج جهانی فوق‌العاده بغرنج است و اشکال بسیار دقیقی دارد. ما درآن جلسهٔ "پرسش و پاسخ" ضمن توضیحی که چندین صفحه را می‌گیرد، جواب دادیم که چگونه کشورهای سوسیالیستی کوشش می‌کنند تسلط امپریالیسم برکشورهای "دنیای سوم" را که از ۵ کانال سیاسی ـ اقتصادی ـ نظامی ـ فرهنگی و ایدئولوژیک برقرار می‌شود، از راه‌های مختلف تضعیف و فلج بکنند. این همان سیاست کمک به خلق‌ها درمبارزهٔ آن‌ها علیه امپریالیزم است. وقتی‌می‌بینیم بعضی از مبارزان انقلابی که مادر انقلابی بودن آن‌ها، درضد امپریالیست بودن آن‌ها تردیدی نداریم، درنتیجهٔ شناخت نادرست خود این قدر ابتدایی و سطحی به این مسائل‌برخورد می‌کنند، فقط می‌توانیم به حالشان تاسف بخوریم. آن‌ها واقعیت را نمی‌دانند و وقتی کسی واقعیت‌ها را نداند، نمی‌توان انتظار داشت که از روی سایهٔ خودش بپرد و واقعیت را درست ارزیابی‌کند. ما امیدواریم که دربارهٔ این دوستان، این انقلابی‌ها، ضرب‌المثل معروفی که می‌گوید: آن کس که نداند و نداند که نداند ـ در جهل مرکب ابدالدهر بماند، ـ صادق از کاردرنیاید و بالاخره یک وقتی بفهمند که بعضی واقعیت‌ها را درست ارزیابی نمی‌کنند، آن‌را درست نمی‌دانند و درست نفهمیده‌اند و این به‌آن‌ها کمک می‌کند تا ارزیابی‌شان را تغییر بدهند.

واما مسئله فروش اسلحه از شوروی به دولت عراق: اولا فروش اسلحه دولت شوروی به عراق مال امروز نیست، مال آن دورانی‌است‌که‌قراردادها بسته شده، مال دورانی‌است که عراق درجبههٔ ضدامپریالیستی قرار داشت و ما می‌دانیم که شاه ایران و امپریالیسم با تمام قوای خودشان کوشش می‌کردند که دولت آن روز عراق، رژیم آن روز عراق را که درجبههٔ ضدامپریالیستی قرارداشت، درهم بشکنند. این که امروز دولت عراق با بعضی از رهبرانش که آن دوران‌هم در رهبری بودند، درجهت امپریالیزم قرارگرفته، این دلیلی نیست که درآن روزهم سیاست نادرستی داشته. می‌دانیم که نمونه‌های دیگری هم از این نوع هستند. امروز آقای سادات به عنوان‌مزدور امپریالیزم عمل می‌کند، ولی همین سادات معاون ریاست جمهوری جمال عبدالناصربود و از ابتدای انقلاب ناصر و تامرگ ناصر و

حتی تا دوسال اول بعداز حکومتش، هنوزقیافهٔ ضدامپریالیستی ــ ضد اسرائیلی ــ ضدامریکایی داشت. به این ترتیب نمی‌توان گفت که روابطی‌که درآن تاریخ با دولت مصر وجود داشت و همین سادات هم معاون رئیس جمهورس بود، نادرست بوده‌است، نمی‌توان گفت که مناسبات پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی، اتحادشوروی، درآن تاریخ از ناصر یا از سادات، درآن جنگ آخری که مصر با اسرائیل کرد، نادرست بوده، چون سادات بعداز آن بود که خیانت کرد. یا "زیاد باره" را درنظربگیرید. سومالی یک دوره درجبههٔ ضدامپریالیستی قرارداشت. آن وقتی که هیله سلاسی براتیوپی حکومت می‌کرد، سومالی درجبههٔ نیروهای‌مترقی‌ضدامپریالیستی قرارداشت، ولی بعدخیانت کرد و وقتی خیانت کرد، مناسبات عوض شد. کسانی که حالاهی می‌گویند آقا عراق اسلحهٔ روسی دارد، این‌ها اغلبشان مبلغین چینی هستند. به خبرهایی که می‌دهند توجه کنید: خبرمی‌دهند که درغرب ایران ۲ مین روسی و ۱۲ مین آدمکش پیداشد. ولی نمی‌گویند آن ۱۲ مین آدمکش ساخت کجاست؟ مال امریکاست؟ مال فرانسه است؟ این رانمی‌گویند، ولی آن ۲ مین دیگر را بااسم روسی نام می‌برند. این یعنی چه؟ این یعنی سوءاستفادهٔ تبلیغاتی. این مسلم است که ۹۰% تسلیحات دولت عراق مال ده‌سال، پانزده‌سال اخیراست که عراق‌مناسبات دوستانه‌با اتحاد شوروی داشته و از شوروی اسلحه خریده است. حالا اگرهرجا یک تفنگ کلاشینکف پیدا شود، آیا معنایش این است که آن‌را وزیر دفاع شوروی همین دیروز شخصاً آورده و تحویل صدام‌حسین داده است؟! آخر این‌ها تبلیغات کودکانه است برای افکار فوق‌العاده سطحی. ولی ما الان می‌دانیم که عراق سیاست خرید تسلیحاتی‌اش‌را از دوسال پیش به این طرف به‌کلی عوض‌کرده و مقدارزیادی اسلحه از فرانسه و انگلستان می‌خرد. جدائی سیاسی از اتحادشوروی، جدائی کارتسلیحاتی راهم باخودش دارد، همان‌طور که مصر تمام سیاست تسلیحاتی خود را طبق موضع‌گیری سیاسی‌اش براساس پیروی از امپریالیسم عوض‌کرد. اگر دقت کنید، می‌بینید الان کشورهائی‌که هنوز از اتحادشوروی اسلحه می‌خرند، همان کسورهایی هستند که به طور پیگیر علیه امپریالیسم مبارزه می‌کنند. سیاست دولت هند را نگاه بکنید: وقتی دولت ارتجاعی هند چندسال پیش درنتیجهٔ شکست بانو گاندی روی کار آمدهٔ سیاست تسلیحات خودش را هم عوض‌کرد. در دوران جواهرلعل نهرو و دردوران بعدش‌که سیاست نهرو هنوز ادامه داشت، تاوقتی که حکومت بانو گاندی سقوط کرد، هندوستان ــ یعنی کشوری که دیگر کسی نمی‌تواند بگوید

مزدور یا دست‌نشانده دولت‌شوروی است، کشوری است بزرگ با بیش از ۶۰۰ میلیون جمعیت، بی‌طرف و غیرمتعهد، ــ سیاست تسلیحاتی‌اش عبارت بود از سیاست خرید اسلحه ازشوروی و امتناع از خرید اسلحه از امریکا و انگلستان، برای این‌که آمریکا و انگلستان فقط با تحمیل تعهد کنترل اسلحه به‌وسیله متخصصین خودشان حاضر بودند اسلحه بفروشند. هندوستان چنین تعهدی را قبول نکرد، اما پاکستان این تعهد و تبعیت را قبول کرد ــ مثل شاه ایران. وقتی با نو گاندی رفت و حکومت ارتجاعی سرمایه‌داران بزرگ درهندوستان روی کار آمد، این حکومت که از گروه مخالف گاندی تشکیل می‌شد، سیاستش را عوض کرد، ولی چون به علل معینی نمی‌توانست از آمریکا اسلحه بخرد، شروع کرد به خرید اسلحه از انگلیس و فرانسه. همین چند روز پیش شما درروزنامه‌ها خواندید که‌با نو گاندی‌این‌سیاست‌رادوباره‌تغییرداده‌وقراردادهای انگلستان و فرانسه را لغو کرده و سیاست تسلیحاتی خود را درچارچوب مناسبات با اتحاد شوروی تنظیم کرده است.

پس سیاست تسلیحاتی هرکشوری همگام است با سیاست عمومی آن کشور. دولت عراق هم در تمام زمینه‌ها و ازجمله در زمینهٔ تسلیحات، سیاست خودرا تغییرداده است. تبلیغاتی که دررابطه با فروش اسلحه به عراق ازسوی روزنامه‌های مخالف انجام می‌گیرد، ــ بخصوص تبلیغات محافل ضدشوروی که می‌دانیم اغلبشان به دستگاه‌های تبلیغاتی پکن و آمریکا وابسته‌اند، درهمان چارچوب عمومی تبلیغاتی است که برای پوشاندن تسلیم‌طلبی وسازش با آمریکا، صورت می‌گیرد.

آیا میان راه‌پیمائی دکه‌داران و توطئه کودتا رابطه‌ای بوده است؟

س: دررابطه با راهپیمایی دکه داران، به‌طوری‌که ما دیدیم‌سازمان "پیکار" نقش عمده‌ای داشت و باعث شد که دراین راهپیمایی چند نفر کشته شوند. ضمنا درهمان روزها بود که برای کودتا تدارک دیده می‌شد. آیا میان این دوجریان رابطه‌ای وجود نداشته است؟

ج: دوستان عزیز، ما نمی‌توانیم چنین حکمی بکنیم که آیا بین این دوجریان رابطه‌ای وجود داشته یا نداشته است. آنچه می‌توان گفت این است که‌درمجموعهٔ اقدامات تحریک‌آمیزی که درکارخانه‌ها و درتحصن‌ها انجام گرفته، این سازمان تربچهٔ پوک همیشه همکاری داشته است. این‌ها با تمام نیروهائی که‌الان دیگر قیافه‌شان درجبههٔ ضدانقلاب به‌طورکامل

روشن شده است، ازجمله با آن جبههٔ دمکراتیک ملی، گروه حزب آبران و غیره، باهمهٔ آن‌ها همیشه درتظاهراتشان همکاری داشته‌اند ضمنا توجه کنیم که ضدانقلاب درتمام دوران تدارک کودتا، جه‌پیش از جریان طبس وجه بیش از تلاش برای این کودتای اخیر، جوپرتشنجی در جامعه به وجود آورده‌است. ضدانقلاب و امپریالیسم برای ایجاد این جو تشنج سعی داشته‌اند، گاه تصمیمات و اقداماتی را مطرح و عملی کنند که زمینه نارضایتی و ناخشنودی را شدت بدهد و بعد بوسیلهٔ عمال خود از این وضع استفاده کنند.

این است مطلبی که ما می‌توانیم دربارهٔ این تدارکات بگوییم. یعنی تمام این تشنجات حتما دوجانب داشته است. حالا چه کسانی، در چه سطحی، عامل آگاه بوده‌اند، از عوامل ساواکی بوده‌اند یا این که روی همان تصورات کودکانه و ابلهانه تربچه پوکی خودشان گول خورده و در دام این گونه تحریکات افتاده‌اند و یا افراطی‌های قشری بوده‌اند که تحریکشان کرده‌اند، ــ این رادیگر ما نمی‌توانیم تشخیص بدهیم. ما نمی‌توانیم واقعا حکم بکنیم که در رهبری سازمان "پیکار" عناصر و عمال "سیا" وجود دارند یا ندارند. چون رهبری سازمان پیکار" که خودش را نمی‌شناساند. اگرمی‌شناسانید آسان ترمی‌شد گفت‌که واقعا کی‌هستند. شاید مجاهدین‌خلق بعضی از اعضای این رهبری را ازسابق، از میان قدیمی‌هایی که آن دشنه را به سازمان مجاهدین خلق زدند، بشناسد، ولی این که آن‌ها الان درکجا نشسته‌اند و در کدام یک از این گروه‌ها عامل آگاه "سیا" نشسته‌است، دربارهٔ این مطلب ما به هیچ وجه نمی‌توانیم چیزی بگوییم. واقعیت مسلم این است که دراین تشنجات امپریالیسم و ضدانقلاب به‌طور سازمان یافته و به نحوی از انحاء دست داشته است. دراین امر تردیدی نیست.

حزب تودهٔ ایران در قبال اختلافات در سطح رهبری جمهوری اسلامی ایران چه موضعی دارد؟

س: آیا اختلافاتی که الان در رهبری جمهوری اسلامی وجود دارد وهرروزهم بیشتر و بیشتر اوج می‌گیرد، تظاهری است ازمبارزهٔ "که‌برکه"، و آیا تمالیت کنونی ضدانقلاب با این مبارزه رابطه دارد یااین اختلافات فقط ناشی از مبارزهٔ طبقاتی میان بورژوازی لیبرال برای نگاهداشتن جامعه درچهارچوب سرمایه‌داری ازیکسو و دمکراسی انقلابی ازسوی دیگر است که می‌خواهد انقلاب را به نفع‌خلق و با سمت‌گیری‌های خلقی عمیق‌تر سازد و سرمایه‌داری رامحدود کند؟ حزب تودهٔ ایران چرا در برخورد

میان این دوجبهه موضع‌گیری مشخص ودقیق نمی‌کند؟

ج: دوستان، من خیال می‌کنم که موضع‌گیری حزب تودهٔ ایران در تمام مسائل اجتماعی و درتمام برخوردهایی که‌الان درجامعه رخ می‌دهد، موضع‌گیری کاملا روشن و دارای محتوای مشخص است. درمورد موضع‌گیری درقبال اشخاص و افراد، ما همیشه گفته‌ایم که تاوقتی ضروری ندانیم، چنین مواضعی اتخاذ نخواهیم کرد. ولی هرجا مسائل و برخوردها مربوط باشد به مبارزهٔ ضدامپریالیستی و مسائل اساسی دیگر، ما به طورمشخص موضع‌گیری می‌کنیم. درمورد مبارزه با امپریالیسم آمریکا، ما همیشه گفته‌ایم که امپریالیسم امریکا را دشمن شمارهٔ یک می‌دانیم و سمت اساسی انقلاب ما و جهت اصلی مبارزه ما علیه امپریالیسم امریکا است ــ برای از بین بردن هرگونه تسلط سیاسی ــ اقتصادی و نظامی و فرهنگی وایدئولوژیک آن درایران. ضمنا ما معتقدیم که امپریالیسم اروپای غربی و ژاپن نیز به امپریالیسم امریکا وابستگی محکم دارند و سیاست آن‌ها نسبت به انقلاب ایران هیچ تفاوت اصولی و ریشه‌ای با امپریالیسم امریکا ندارد وبنابراین سمت‌گیری علیه امپریالیسم امریکا سمت‌گیری علیه امپریالیسم اروپای غربی و ژاپن و علیه چین نیز هست. اینها روشن است و به همین جهت وقتی آیت‌الله بهشتی درتبریز می‌گوید که سمت‌گیری حزب جمهوری اسلامی در سیاست خارجی عبارتست از سمت‌گیری علیه امپریالیسم امریکا به عنوان دشمن شمارهٔ یک انقلاب ایران، ما آن‌را تائید می‌کنیم. پس دراین مساله نظرحزب ما با این نظر اعلام شده ازطرف دبیرکل حزب جمهوری اسلامی کاملا منطبق است. اگر آقای دکتربهشتی می‌گوید ما آزادی‌های اجتماعی را محترم می‌شماریم و تاوقتی یک سازمان سیاسی علیه جمهوری اسلامی ایران توطئه نکرده، آزاد است که به فعالیت اجتماعیش درچارچوب قانون اساسی ادامه بدهد، ما طبعا با آن موافق هستیم و آن‌را تائید می‌کنیم. براین اساس دربارهٔ هرحادثه‌ای که رخ دهد، شما فورا می‌توانید تشخیص دهید که آیا حزب تودهٔ ایران با آن موافق است یا مخالف؟. ما نمی‌توانیم هر روز صبح اعلام کنیم که ما با این گفتهٔ فلان کس موافقیم و یا آن گفتهٔ فلان کس مخالفیم! چون متاسفانه درگفته‌های این فلان کس ها در روزهای مختلف تضادهای عجیب و غریب پیدا می‌شود، وما هنوز نمی‌توانیم گروهها و سازمان‌های سیاسی را درمجموعهٔ کاملا شکل یافته نظریاتی که دربارهٔ تمام طیف مسائل سیاسی و اجتماعی انقلاب اسلامی ایران دارند، یکجا تائید یا یکجا رد کنیم. ما فقط درچارچوب

www.iran-archive.com

معینی می‌توانیم بنویسیم که مثلا حزب جمهوری اسلامی دریک سلسله از مسائل مشخص مواضعی دارد که ما با آن کاملاموافقیم. ازجمله وقتی جمهوری اسلامی درسرمقاله‌هایش بطورقاطع علیه سرمایه‌داری موضع گیری می‌کند،ما کاملا با آن موافق هستیم،یعنی حاضریم از هرپیشنهاد مشخصی که حزب جمهوری اسلامی برای ازبین بردن سرمایه‌داری و حتی محدود کردن سرمایه‌داری و برانداختن سرمایه‌داری بزرگ وابسته در ایران مطرح سازد، پشتیبانی کنیم، ولی اگر درهمان روزنامه می‌بینیم که ناگهان مقالهٔ دیگری درمی‌آید که می‌گوید بیایید به هرکسی که‌می‌تواند کارهای تولیدی انجام بدهد، سرمایه بدهید، دیگر با آن نمی‌توانیم موافق باشیم، زیرا این می‌شود بازهمان سرمایه‌داری. من دردفعات پیش گفتم که موضع‌گیری‌های طبقاتی گروه‌ها و شخصیت‌ها درجامعهٔ کنونی، آن‌طور که ما می‌فهمیم، هنوز مشخص و دقیق نشده و هنوز درکلیات باقی‌مانده است و به‌همین جهت‌ما مجبوریم عجالتا فقط دربارهٔ محتوای‌کلی کردار و گفتار آنها، نظربدهیم.

ما از موضع‌گیری‌های هرمرجع سیاسی چنانچه درچارچوب پیشنهاد-هایی باشد که ما درمورد تشکیل جبههٔ متحد خلق مطرح کرده‌ایم، پشتیبانی خواهیم کرد. این پیشنهادها شامل تمام طیف مسائلی است که درمقابل انقلاب ایران قراردارد، از آنجمله است مسائل مربوط به سیاست، امنیت، دفاع ملی، اقتصاد، کشاورزی، فرهنگ، آموزش و پرورش، مسائل اجتماعی، حقوق زنان، حقوق جوانان، ورزش و غیره. مادرمورد تمام این مسائل برنامه جامعی پیشنهاد کرده‌ایم و حاضریم پیشنهاد هرگروه و هرسازمان اجتماعی را که با اصالت به این برنامه، به این برنامهٔ واقعی حداقل، به این برنامهٔ مشترک همهٔ نیروهای سالم ضدامپریالیستی و خلقی ایران، برخورد کند، بطورمثبت بررسی کنیم. به تناسب نزدیکی دراین زمینه‌ها پشتیبانی ما عمیق‌تر خواهد شد. تمام تبلیغات ماهم دراین زمینه‌ها انجام می‌گیرد. به دوستان یا دوست نمایانی که‌هی ازما می‌پرسند، آقا بالاخره بگویید حسن بهترست یاحسین، تا ما تکلیفمان را بدانیم، باید بگوییم که دربسیاری ازموارد ما واقعا هنوز نمی‌دانیم که آیا حسن بهترست یا حسین!

www.iranarchive.com

چگونگی مبارزهٔ ایدئولوژیک حزب

س: چرا حزب تودهٔ ایران که خودرا حزب طبقهٔ کارگرمی‌داند باسایر گروه‌ها مبارزهٔ ایدئولوژیک انجام نمی‌دهد؟

ج: البته سئوال کننده تم دست من نیست تا از او متقابلا سئوال کنم که دوست عزیز تو اصلا از مبارزهٔ ایدئولوژیک چه می‌فهمی؟ پس تمام این کاری‌که درتمام نشریات و درسراسر حرف‌ما انجام می‌گیرد، اسمش چیست؟ آیا این‌ها مبارزهٔ ایدئولوژیک نیست؟ ما که مبارزهٔ نظامی نداریم، تمام مبارزه‌ای که ما انجام می‌دهیم و حتی مبارزات سیاسی ما، برپایهٔ ایدئولوژی ما، درشرایط مشخص جامعه ما، انجام می‌گیرد. درزمینهٔ مسائل روزمره‌هم مبارزهٔ ایدئولوژیک انجام می‌گیرد. اگردوستان ما از مبارزهٔ ایدئولوژیک این را می‌فهمند که ما از مارکس سیتاد بیاوریم، از انگلس سیناد بیاوریم، از لنین سیتاد بیاوریم، ما این کار را انجام داده‌ایم، یعنی ما به اندازهٔ کافی آثار مارکس و انگلس و لنین را تا آن‌جا که توانسته‌ایم منتشر کرده‌ایم و این کار را بازهم ادامه خواهیم داد. بخشی از کارفعال روزانهٔ ما عبارت است ازپخش این نشریات. ولی اصل مطلب‌در این استه‌که ما از آنچه که منتشر کرده و از آنچه که خودخوانده و هنوز نتوانسته‌ایم به فارسی منتقل و منتشر کنیم؛ چه فهمیده‌ایم و چگونه آنرا درزندگی ودرمبارزهٔ‌روزانه‌پیاده‌می‌کنیم. این همان‌مبارزه ایدئولوژیک فعالی است که ما انجام می‌دهیم.

داشناک‌ها...

س: داشناک و داشناکسیون چه جریانی است؟

ج: این جریانی است درداخل ارامنه درایران و درجهان، ولی چون مربوط میشود به ارامنه،و ارامنه قسمتی از خلق ماهستند، برای همهٔ مبارزان ایرانی لازم است که از جریاناتی که درون این قسمت از خلق ما می‌گذرد، اطلاع داشته باشند. بطورخلاصه، داشناکسیون دارای همان کیفیت، همان موضع‌گیری جهانی و همان وابستگی‌های سیاسی است که تقریبا صهیونیسم یا بهائی گری‌دارد. یعنی یک جریان ارتجاعی ــ مذهبی وابسته به امپریالیسم هست که از ایدئولوژی بورژوازی ارمنستان دوران قبل از انقلاب، از سرمایه‌داری ارمنستان آن دوران که ضدانقلابی بود،

منشاء می‌گیرد. این جریان درآغاز خود با یک حرکت استقلال‌طلبانه صوری عصیان کرد و درچارچوب مجموعهٔ نهضت ارامنه آغاز شد، ولی پس از انقلاب اکتبر یک جریان ضدانقلابی، ارتجاعی، وابسته به امپریالیسم ازکار درآمد. در دوران اول وابسته به امپریالیسم انگلستان و به اینتلیجنس سرویس بود و بعد به امپریالیسم جهانی وابسته شد و الان "سیا" حتما درآن دخالت کامل دارد وموضع‌گیری‌هایش درمجموع جهان شدیدا ضددموکراتیک، ضدشوروی و ضدانقلابی است. این سازمان درهرجا که فعالیت می‌کند با ضدانقلاب جهانی، باصهیونیسم، با "سیا" با اینتلیجنس سرویس و دیگرسازمان‌های ارتجاعی بین‌المللی همگام است. در ایران هم داشناکسیون یک سازمان مخفی آدمکش دارد. عده‌ای از بهترین نمایندگان انقلابی ارمنی یا را داشناک‌ها از پشت با تیرزده‌اند، باغدانیان و امثال او، همان‌هایی که قهرمان‌های مبارزهٔ انقلابی ما هستند، اکثر این‌ها را داشناک‌ها درهمان دوران تاریک استبداد گذشته ازپشت تیرزدند و کشتند و یا دزدیدند و بردند و سربه نیست کردند. مبارزهٔ بین انقلابی‌های ارمنستان و داشناکسیون، یک مبارزهٔ طولانی تاریخی است که درتمام جبهه‌ها، درتمام کشورها ادامه دارد.

روزنامهٔ «کار» و مسألهٔ ارضی

س: چرا به مقاله‌ای که در روزنامهٔ "کار" دربارهٔ مسئلهٔ ارضی منتشرشد، جواب نمی‌دهید؟

ج: اصولا این نوع نوشته‌ها و مقالات اول دراختیار "نامهٔ مردم" و مجلهٔ "دنیا" قرارمی‌گیرد و اگربینند که درآن‌ها نکات قابل بررسی هست، واقعا دارای وزنی هست، آن‌وقت جواب خواهندداد. ولی دوستان ما ازما نخواهند که به هرمطلبی که هرکس گفت و صفحاتی از یک روزنامه را پرکرد، ماحتما جواب بدهیم. آخر خیلی مسائل هست که گروه‌های مخالف ما دربارهٔ موضع‌گیری‌های حزب ما می‌نویسند. ما فقط با تکرارهمان موضع‌گیری خودمان به آنها جواب می‌دیم، نه این که هی به خرف‌های آن‌ها جواب بدهیم. ما به مطالبی جواب می‌دهیم‌که خودمان دلمان می‌خواهد، و یکی از شیوه‌های تاکتیکی مبارزه درست همین است که شما میدان مبارزه را آنجایی تعیین کنید که خودتان می‌خواهید، نه آنجا که مخالف شما می‌خواهد. مخالف شما همیشه می‌خواهد میدان مبارزه را

www.iran-archive.com

جوری تعیین کند که شما را باصطلاح به هچل بیندازد و دشواری برایتان ایجاد کند. ما میدان بحث و مبارزه را معمولا آنجائی تعیین می‌کنیم که خودمان تشخیص می‌دهیم درست است. البته شما می‌بینید که روزنامه‌های مختلف غالبا به‌ما حمله می‌کنند، دشنام می‌دهند، ولی ما فقط وقتی به واکنش می‌پردازیم که تشخیص می‌دهیم حالا جواب دادن به این مسئله، دراین لحظه و دراین چارچوب، دشنام دهنده و حمله‌کننده را خلع سلاح خواهدکرد. چرا این طور عمل می‌کنیم؟ اگر ما امکانات وسیع تبلیغاتی داشتیم، خوب البته به حملات بیشتری می‌توانستیم جواب بدهیم، ولی ما امکانات محدودی برای نشریات خودمان داریم و با این امکانات محدود باید همیشه تشخیص بدهیم که واجب‌ترین و مهم‌ترین وظیفهٔ تبلیغاتی دراین لحظه معین چیست و این همان وظیفه‌ای است که ارگان‌های تبلیغاتی‌ما، هر روز با آن روبرو هستند، یعنی‌صدتا مسئله مطرح می‌شود و باید ببینند به کدام یک از آن‌ها می‌توانند در این‌هشت صفحه جواب بدهند و این هم حتما همان مسئله‌ایست که ده‌ها و صدها و هزارها نفرمی‌خواهند آن‌را بدانند.

مسألهٔ تصفیهٔ ارتش

س: چرا دراین مقطع زمانی حساس، تصفیهٔ کامل درارتش انجام نمی‌گیرد؟

ج: دوستان،شما می‌دانید که نظرما، درمورد تصفیهٔ ارتش ازهمان نخستین اعلامیه‌ای که دربارهٔ برنامه جبههٔ متحد خلق منتشر کردیم، قاطع و پیگیر بوده‌است. باکمال تاسف باید بگوییم که در دوران دولت لیبرال گام به گام، سیاستی به‌کلی مغایر با این خواست انقلاب ایران درپیش گرفته شد و تلاش جدی درزمینهٔ تصفیهٔ ارتش به کار نرفت، درصورتی که روحانیت‌مبارز، بخش قابل توجهی از آن، خیلی روی‌این تصفیه پافشاری می‌کرد ولی درآن دوران بورژوازی لیبرال که می‌خواست به کمک همان ارتش زمینهٔ سازش با امپریالیسم امریکا را فراهم کند، با تمام قوا درمقابل تصفیه‌جدی ارتش سد ایجاد کرد. البته باصطلاح تصفیه‌ای انجام گرفت یعنی عده‌ای‌از آمرا کنار گذاشته شدند، ولی سپس با حقوق‌های بسیارگزاف به اروپا رفتند و ما دیروز شنیدیم که دادگاه اسلامی انقلاب تصمیم کاملا بجائی گرفته که حقوق این‌عناصر قطع شود و دیگرپرداختی به آن‌ها انجام نگیرد. برای هریک از این

www.iran-archive.com

آقایان سهمدهای فراری بیست، بیست و پنج هزارتومان درماه حقوق می‌فرستادند. آن‌هم به ارز. ضمنا در دوران بعدازسقوط دولت بازرگان هم این دوگانگی قدرت، تا حدودی عملا باقی‌ماند، یعنی عده‌ای از وزرای دولت بازرگان درپستهای خودشان باقی‌ماندند و مسئلهٔ تصفیهٔ ارتش به نبردی در داخل دونیرو مبدل شد. درتمام این دوران یک مبارزهٔ جدی میان طرفداران تصفیهٔ‌جدی ارتش و مخالفین آن ادامه داشته است و با کمال تاسف باید این‌واقعیت را یادآور شویم که همان‌طور که دریکی ازمقالات "نامهٔ‌مردم" هم خواندید عدهٔ زیادی از عناصر شرکت کننده دراین توطئه عناصری هستند که یک‌بار پس از یک تلاش انقلابی تصفیه شده‌بودند و بعد دومرتبه به وسیلهٔ نیروهای معینی برگردانده شدند و به پست‌های حساس گماشته شدند. به نظرما این تلاش هنوز هم ادامه دارد و ما امیدواریم که با افشاندن و شکست این توطئه و فاش شدن تمام ابعاد آن، رهبری جمهوری اسلامی به‌طور قاطع موفق شود کاملا عمیق و همه‌جانبه در ارتش انجام دهد و یک ارتش منضبط نیرومند خلقی بوجود آورد که مدافع جمهوری اسلامی ایران، باشد ودیگر امکان هیچگونه توطئه‌ای درآن وجود نداشته باشد. ما از این تلاش پشتیبانی می‌کنیم. درمقاله‌ای هم‌که دربارهٔ ارتش خلقی آری، ارتش طاغوتی نه، که در "نامهٔ مردم"، درج شد، همین موضع‌گیری به‌طور کاملا صریح تاکید شده است.

دربارهٔ نرخ فروش گاز به اتحاد شوروی

س: چرادرحالی‌که اتحاد شوروی از نفت و گاز بی‌نیاز است، آن را می‌خرد و به قیمت خیلی بیشتر می‌فروشد؟ (سئوال کننده، از حزب جمهوری اسلامی).

ج: دوست‌گرامی، از حزب جمهوری اسلامی! به نظرما اطلاع شما دربارهٔ این مسئله بکلی ناقص‌است. من خیال نمی‌کنم که شما واقعا سوءنیت داشته باشید. اما اطلاع شما نا ست است. اولا دربارهٔ این‌که چرادولت‌شوروی گاز و نفت می‌خرد و می‌فروشد، من نمی‌دانم که دولت شوروی خریدار نفت هست یا نه. تابحال نشنیده‌ام که اتحاد شوروی از جائی نفت بخرد. ولی، خب، ممکن هم هست که یک وقتی نفت بخرد و بفروشد. این امکان وجود دارد. کشور شوروی یک ششم بخش خشکی جهان را دربرمی‌گیرد. از این گوشه تا آن گوشه‌اش درحدود دوازده هزار

کیلومتر است. درایں کشور پهناور که بیش از ۲۵۰ میلیون جمعیت دارد، دریک گوشه‌اش گاز نیست، سوخت نیست، برق کم است، برعکس درگوشهٔ دیگرش مواد انرژی‌زا بسیار زیاد است. درهمسایگی شوروی نیز کشورهای مختلفی وجود دارند: کشورهائی هستند که این ماده یا آن ماده خام در آن‌ها وجود دارد و کشورهائی هستند که به این مواد محتاجند وآنهارا ندارند. مثلا فرض کنیم دولت شوروی در نواحی مجاور فنلاند که چوب زیاد و ارزان دارد، چوب به اندازهٔ کافی نداشته باشد و بخواهد از فنلاند چوب بخرد، ولی دریک منطقه جنگلی خودش که فرضا مجاور ایران باشد، بتواند چوب تهیه کند و به ایران بفروشد. این تجارت بین‌المللی است. شما می‌توانید جنس‌هائی را درجائی بخرید و درجایی بفروشید. من درباره این نوع معاملات می‌توانم یک مثال بزنم: بین ونزوئلا، کوبا، اسپانیا و شوروی. یک معاملهٔ چهارگانه نفت انجام گرفته است. شوروی به کوبا نفت‌می‌داد به قیمت نصف قیمت بین‌المللی و کشتی‌های نفتکش، آن‌را ازکرانه‌های شوروی به دریای کارائیب‌می‌رساندند. (می‌دانیم که دولت شوروی بهای نفت خود را به تمام‌کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی به قیمت نصف قیمت‌های معمول جهانی حساب می‌کند و نفتی که به آن‌ها می‌دهد درحدود صد میلیون تن بیشتر از تمام نفتی است که ایران استخراج می‌کند). دولت اسپانیا از ونزوئلا نفت می‌خرید بعد این چهار دولت دیدند نفتکش‌های شوروی نفت شوروی را می‌برد به کوبا و نفتکش‌های ونزوئلایی نفت را از ونزوئلا می‌آورند به اسپانیا و حال آن‌که ونزوئلا پهلوی کوباست. خوب، آمدند به دولت شوروی گفتند شما این نفتی‌که می‌خواهید به کوبا بدهید درهمین اسپانیا خالی کنید که سریعترمی‌رسد و ارزان‌تر تمام می‌شود، برای این که درغیر این‌صورت کشتی باید دوبرابر این مدت در راه باشد، و به ونزوئلا گفتند این‌نفتی را که باید به اسپانیا بفروشی، درهمان منطقه بده به‌کوبا. هر چهار کشور ازاین معامله نفع می‌برند: شوروی که باید به کوبا نفت بدهد می‌تواند آن را به اسپانیا بفروشد و اسپانیا پولی که باید به ونزوئلا بپردازد، می‌دهد به شوروی و ونزوئلا پولی را که باید بابت نفت ازاسپانیا بگیرد، از کوبا می‌گیرد و نفتش را می‌دهد به کوبا. انرژی انسانی هم کم‌تر مصرف می‌شود. این تجارت جهانی است. یا فرض کنیم دولت شوروی در جمهوری‌های بریدیک به ایران احتیاج به گاز دارد، ولی بیشتر گاز خودش درسیبری است. خوب حالا باید لولهٔ گاز بکشد و بیاورد به جمهوری قفقاز. اما گاز ایران به‌مراتب به این جمهوری‌ها نزدیک‌تر است. می‌گوید

من حاضرم از ایران گازبخرم، درصورتی که ایران قیمت مناسبی پیشنهاد کند، که من بتوانم معادل آن به اروپا گاز بفروشم. تمام بحث هم این است که دولت شوروی می‌گوید بهای گازی که من به اروپای غربی می‌دهم ارزان‌تر از قیمتی است که شما معین می‌کنید. شما به همان قیمتی که من الان با اروپای غربی معامله می‌کنم، گاز به من بفروشید.

ضمنا توجه داشته باشید که در مورد گاز یک معامله سه‌جانبه مطرح بوده‌است، به این ترتیب که قرار بود دولت ایران به دولت شوروی گاز بدهد، دولت شوروی معادل همان گاز را به اروپای غربی ــ به آلمان و فرانسه تحویل بدهد و دولت ایران بهای این گاز را هرطور که بخواهد با آلمان و فرانسه تعیین کند و پولش را از آن‌ها بگیرد. و ماتعجب می‌کنیم چرا چنین معامله‌ای را به‌هم زدند. اینجا اصلا طرف‌معامله و قیمت فقط اتحاد شوروی نمی‌تواند باشد. دولت شوروی فقط هزینهٔ انتقال گاز را می‌گرفته، ــ هزینهٔ ترانزیت ــ مثل این‌که بار بنزین و نفت را از این سرحد به آن سرحد ببرند. پس دوست عزیز از حزب جمهوری اسلامی، اطلاعات شما دربارهٔ مسئلهٔ گاز فقط برپایه تبلیغات سمت‌دار مائوئیست‌ها و امپریالیست‌هاست، نه برپایه واقعیت.

نکتهٔ دومی که درمسئلهٔ گاز عنوان می‌شود، این است که ادعا می‌کنند قیمت گاز درقیاس با نرخ جهانی آن ارزان‌تر بوده‌است. این‌هم باز نادرست است. وقتی نرخ جهانی گاز را درنظر می‌گیرید، باید نرخ جهانی کالاهایی را هم که ایران درمقابل گاز از اتحاد شوروی دریافت می‌کرده، درنظربگیرید. چون مبادلات ایران وشوروی مبادلات تهاتری بوده است، معاملهٔ ارزی نبوده، که ما جنسی به شوروی می‌فروشیم و جنسی هم مطابق نرخ بین المللی ازشوروی با پرداخت ارز می‌خریم مبادلات بارزگانی ایران وشوروی درزمینهٔ گاز،پایاپای و به‌طور عمده بر پایهٔ قیمت ثابت بوده است، یعنی دریک تاریخ معین که بیش ازده‌سال پیش است، ودرآن‌تاریخ قیمت گاز ونفت به‌مراتب پایین‌تر از قیمت کنونی بوده است، آمدند یک قرارداد تهاتری بستند و گفتند شما به‌این قیمت، بتدریج، چندمیلیارد مترمکعب گاز به مابدهید و ماهم به این قیمت به شما کارخانهٔ ذوب‌آهن با این ظرفیت می‌دهیم. حالا اگر قرار باشد مقایسه‌ای دراین زمینه انجام گیرد، باید قیمت جهانی آن تاریخ کارخانهٔ ذوب آهن و قیمت آن تاریخ گاز برپایه ثابت و نه متحرک، ملاک قرارداده شود، چون قراردادگاز ایران با شوروی یک بخش ثابت داشته که تقریبا هشتاد درصد آن را تشکیل‌می‌داده و مربوط می‌شده به معامله

شهادتی درباره، ایجاد کارخانه، ذوب آهن وصنایع دیگری که شوروی برای ایران احداث کرده است و ازآنجمله کارخانه، ماشین سازی اراک. حالا اگر بحث برسرنرخ امروز کار است، باید قیمت کارخانه، ذوب آهن تحویل شده هم با همین قیمت امروزی جهانی معین‌گردد. ارزش مقدار کارتحویلی را با ارزش امروزی این کارخانه بسنجید تا ببینیم قیمتها باهم تعادل دارند یا نه؟ درمسئله این معامله کار آن‌قدر نکات ظریف وجوددارد که اگرحاضرشوند بحث آزادی دررسانه‌های گروهی انجام گیرد، اگرحاضر شوند یک ساعتی را در رادیو تلویزیون به این بحث اختصاص بدهند، آن‌وقت درباره، همه آن‌ها با ارقام دقیق توضیح داده خواهدشد، و ما ازاین دوست حزب جمهوری اسلامی که چنین سئوالی کرده است، فقط خواهش می‌کنیم که از حزب جمهوری اسلامی، از رهبری خودشان بخواهد تا برای این بحث یک ساعت به ما وقت داده شود.

اگرحزب جمهوری اسلامی که تمام رادیو ـ تلویزیون را دراختیار دارد، واقعا می‌خواهد که این مسئله روشن بشود، این امکان را به ما بدهد و بعدهم خودشان چهارساعت وقت بگیرند و به آن جواب بدهند. ما خیال می‌کنیم که این پیشنهاد، دیگریک پیشنهاد خیلی عادلانه و دموکراتیک است.

www.iran-archive.com

حزب تودهٔ ایران چه می گوید؟
مشی سیاسی و دیدگاه‌های حزب تودهٔ ایران پیرامون چه درگ و تحلیلی استوار است؟

جلسه‌های هفتگی پرسش و پاسخ که با شرکت رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اوّل کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران، تشکیل می شود، بر محور این پرسش ها، زمینه ها و گوشه و کنار سیاست حزب تودهٔ ایران را در عرصهٔ روز می کاود و حرکت‌های تاکتیکی و استراتژیک آن را تفسیر و تشریح می کند.

جزوه‌های پرسش و پاسخ گزارش کامل و بی کم و کاست این جلسه‌های توضیحی است که به درخواست رفقا و دیگر علاقه‌مندان، از روی نوار پیاده شده و عیناً منتشر می شود.

www.iran-archive.com

نشریهٔ سازمان حزب تودهٔ ایران در آلمان غربی